

چراغ قرمزهای زندگی





ومن يتعدّ حدود الله فأولئك هم الظالمون (بقره 229)

هر که از مرزهای الهی عبور کند جزو ستمکاران است.

فهرست

ارتباط با نامحرم

استفاده از درآمد نامشروع

عدم احترام به والدین و بزرگترها

اسراف و ریخت و پاش

بخل و خساست

کینه و دشمنی

عصبانیت

شرکت در مجالس لهو و لعب

شرابخواری و میگساری

استفاده از مواد مخدر

ارتباط با نامحرم

یکی از جاهایی که انسان ها مخصوصا جوانان باید توقف کنند، در مورد ارتباط با نامحرم است. اگرچه خداوند گزینه جنسی را در هر انسان سالمی قرار داده تا روزی ازدواج کند. هم نسل بشر ادامه یابد و هم بین زن و مرد محبت و الفت پیدا شود. و کانون خانواده تشکیل گردد و در پرتو آن استعدادها شکوفا شود. اما تا قبل از ازدواج، مرد وزن و پسر و دختر، حق ندارند باهم ارتباط غیراخلاقی داشته باشند. حتی از ارتباط گفتاری و نوشتاری که مضمون آن جنسی باشد نهی شده است. زیرا گزینه جنسی در عین حال که برای انسان بسیار ضروری است اما بسیار خطرناک هم است همانند برق.

افرادی که از این چراغ قرمز رد شوند معمولا در زندگی دچار مشکلات فراوانی می گردند. جوانی را می شناسم که با برقراری ارتباط با دختر دانشجویی، چنان از مسیر درست دور شد که نماز را کنار گذاشت و حتی درسش ضعیف شد درحالی که قبلا جزو زرنگ های کلاس بود.

اسلام به طور کلی (خواه دختر و پسر یا زن و مرد نامحرم) به منظور حفظ عفت عمومی، هر گونه ارتباط نامشروع با نامحرم اعم از سخن گفتن از روی هوس، نگاه ناپاک، تماس بدنی و ... را ممنوع کرده و بر حیا و عفت و پاکدامنی تأکید نموده است. **هر مردی که با زن نامحرمی دست دهد، دچار** "پیامبر اکرم(ص) سخن گفتن زن با مرد نامحرم را نهی کردند و فرمودند غضب الهی شود و هر کس با زن نامحرمی همراه شود و در جای خلوتی قرار گیرد، در زنجیری از آتش قرار (1). خواهد گرفت". بحارالانوار، ج 101، ص 32

آقا رسول الله فرمود: پرهیزید از صحبت با نامحرم. زیرا اگر مردی با زنی نامحرم تنها صحبت نماید آنوقت تحریک شده و قصد گناه می کند.

ای جوان با اجنبی خلوت مکن خویش را پیوسته با شهوت مکن

روزی شیطان به موسی (ع) نصیحت‌هایی کرد از جمله گفت: با نامحرم تنها نشو که خودم در آنجا حاضر می شوم نه یاران و اصحابم.

خلوت با اجنبی بد حاصل است	کمترینش محو تقوای دل است
گر محیط خلوتی آید به پیش	که در آنت اجنبی سازد پریش
تو از آن بگریز، پدر آن مَنه	آبرو با عفت و ایمان مَنه

استفاده از درآمد نامشروع

نهی قرآن کریم از استفاده از اموال باطل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ⁽¹⁾

ای مؤمنین! نباید اموال دیگران را از روی ناحق تصرف کرده و استفاده نکنید. بلکه باید معاملاتتان بر مبنای معاملات اسلامی باشد.

مسئله نان حلال در آوردن از مسایل مهم زندگی هر سرپرست خانواده ای است. و عده زیادی از مردم در این مورد راه انحرافی رفته و از راههای خلاف پول در می آورند لذا سعادت‌مند نمی گردند.

امام صادق (ع) لیه السلام به مصادف فرمود: ای مصادف! نان حلال در آوردن از شمشیر زدن در راه خدا سخت تر است.⁽²⁾

ضررهای اموال آلوده

وقتی پول کثیف وارد بازار شود: بازار آلوده می باشد-اعتماد در معاملات از بین می رود.-دوطبقه پولدار و فقیر بوجود می آید.-آبروها از بین می رود-زندان ها پر می شود-خانواده ها از هم می پاشد-پرونده های قضائی بیشتر می شود-زلزله و قحطی و خشکسالی پدید می آید. که در احادیث است که اگر بازار کم فروشی کنند خشکسالی می شود.

امام کاظم ع به صفوان شتردار فرمود شما همه کارهای خوب است جز یک کار. چرا شترهای را به دستگاه حکومت اجاره داده‌ای؟ زیرا دوست داری تا ستمارانی که شترهای را کرایه کرده‌اند آنقدر زنده بمانند تا پول تو را پرداخت کنند و کسی که بقاء ستمکار را بخواهد جزو آنان است!⁽³⁾

و پولی که از بابت اجاره شترهایش از ستمکاران می‌گیرد اشکال شرعی دارد.

1. *نساء 29

2. جوانان و گناهان کبیره .

3-وسائل باب تجارت باب 71 ص 548

آقا رسول الله ص فرمود: هرگاه شخصی یک لقمه حرام بخورد و جزء بدنش شود تمام ملائکه آسمان و زمین لعنتش می‌کنند.⁽¹⁾

و فرمود: هر که لقمه حرامی بخورد تا چهل شب نمازش قبول نمی‌شود و تا چهل روز دعایش مستجاب نمی‌گردد.⁽²⁾

شخصی به رسول خدا ص عرض کرد می‌خواهم دعایم مستجاب شود چه کنم؟ فرمود غدایت را حلال و پاکیزه کن و حرام به شکم خودت داخل ننما!⁽³⁾

و خداوند به حضرت عیسی ع فرمود به ستمکاران بنی اسرائیل بگو درحالی که مال حرام در تصرف شماست مرا صدا نزنید که اگر مرا بخوانید من شما را لعنت می‌کنم.⁽⁴⁾

آقا امام حسین علیه السلام به لشکر عمر سعد فرمود: شکمهایتان از حرام پر شده است!⁽⁵⁾

مصادیق اموال باطل

رباخواری- رشوه خواری- غصب اموال- ارث خواری- کم فروشی- گرانفروشی- احتکار- غش در معامله- قاجاق- خودفروشی- کودک فروشی- فروش آلات موسیقی و قمار وسی دی مستهجن و ماهواره و غیره- فروش سلاح به دشمن- فروش کتابهای گمراه کننده عقیدتی یا اخلاقی- درآمد از راه رمالی و ساحری و فالگیری و دعانویسی و کهنات و غیره

معاملات انسان و درآمد انسان باید از راه حلال باشد تا زندگی انسان از گرفتاری‌ها و اثرات زیانبار درآمد حرام مصون بماند.

1- سفینه البحار 1/245

2- همان

3- گناهان کبیره 405

4- همان

5- همان

مؤمنین و مؤمنات اگر بخواهند به سعادت برسند باید از خوردن هرگونه غذای حرام، خودداری کنند. نباید بخاطر غذای عالی، آلوده به حرام بشوند. زیرا شکم انسان به گونه‌ای است که هر غذایی به او

دادی اعتراض نمی کند. نان و سبزی بدهی اعتراض نمی کند غذای عالی دادی باز اعتراضی ندارد. لذا علمای ما در مورد خوردن ساده زیست بودند و سخت گیری نمی کردند

تأثیرات امور معنوی در سلامتی

یقیناً غذا در روحيات انسان اثر مثبت و منفی می گذارد . اگر از غذای پاکیزه و حلال و طیب استفاده شود اثر مثبت و اگر از غذای نجس و آلوده و حرام استفاده شود، اثر منفی بر معنویات انسان می گذارد . همچنین روزه گرفتن، با طهارت غذا خوردن، ذکر الهی بر زبان جاری نمودن، به فقرا کمک کردن در سلامتی انسان نقش های کلیدی بازی می نمایند .

به داستانی در این زمینه توجه فرمائید:

غذای نجس

«مرحوم آخوند ملاعلی معصومی همدانی به خانه یکی از محترمین جهت صرف غذا دعوت شد . سر سفره میزبان متوجه شد که مرحوم آخوند از خورش موجود در سفره نمی خورد . از آنجا که مرد پارسایی بود متوجه می شود که احتمالاً اشکالی شرعی در تهیه این خورش است . ابتدا از خانواده خود سؤال می کند و می بیند که اشکال از این ناحیه نیست . سپس سراغ قصاب می رود، قصاب می گوید که این گوشت را از شخصی خریده است و خود ذبح ننموده است . به ناچار سراغ فروشنده گوشت به قصاب می رود و مسئله را از او می پرسد . او ابتدا وجود هر گونه شبهه های را انکار می کند

اما وقتی با اصرار مواجه می شود می گوید ما گوسفند چاقی داشتیم که آن را در صحرا به جایی بسته بودیم . بعد از چند ساعت که سراغ او رفتیم دیدیم که حیوان از بس جست و خیز کرده طناب به گلویش پیچیده شده و او را خفه کرده است . چون متحمل ضرر زیادی

(1) قصص العلماء تنکابنی

می شدیم تصمیم گرفتیم که سر او را بریده و به قصاب بفروشیم .

میزبان وقتی ماجرا را می شنود خدمت مرحوم آخوند رسیده و از ایشان می پرسد: آقا شما چطور شد که از خورش نخوردید؟

مرحوم آخوند می فرماید: من دیدم که در ظرف خورش نجاست وجود دارد .⁽¹⁾

1 . همچو سلمان، ص 96.

عدم احترام به والدین و بزرگترها

جایگاه پدر و مادر بسیار بالاست که انسان قادر به درک این عظمت نمی باشد. پدر و مادر واسطه آفرینش فرزند و مسئول تربیت و پرورش او می باشند، بدین سبب در دین مقدس اسلام بالاترین تأکید در اطاعت و احترام به آنان شده است تا جایی که خداوند متعال در قرآن کریم نام آنان را در ردیف نام خود قرار داده و پس از دستور به شکرگزاری خود، بر لزوم قدردانی از آنان تأکید می نماید و می فرماید: آری به او توصیه کردم که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت [همه شما] به سوی من است! و هر گاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری [بلکه می دانی باطل است]، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته ای رفتار کن و از راه کسانی پیروی کن که توبه کنان به سوی من آمده اند سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من شما را از آنچه عمل می کردید آگاه می کنم. (لقمان/14-)

پیامبر اکرم (ص) نیز از مقام عظیم و والای پدر و مادر، نزد خداوند خبر می دهد و می فرماید: خداوند

با خشنودی والدین خشنود می شود و با خشمگین شدن والدین خشمگین می گردد و این نشان دهنده

توجه و عنایت ویژه پروردگار نسبت به مقام و منزلت والدین می باشد.

همچنین ایشان در بیان عظمت و شأن این دو موجود گرانقدر می فرماید: نگاه محبت آمیز فرزند به

پدر و مادرش، عبادت است. (محدث نوری / مستدرک الوسائل / ج 9 / ص 152)

آری ، همین نگاه ساده و همراه با مهر و محبت به پدر و مادر که باعث خشنودی و شادمانی آنها

خواهد شد و رضایت آنها را در پی خواهد داشت ، عبادت محسوب می شود ؛ همان هایی که با

تحمل مشقتهای فراوان در راه پرورش فرزندان فداکاری ها کرده اند و لذا، شایسته ترین انسانها برای

احترام و قدردانی معرفی شده اند.

اهمیت احترام به والدین

در فرهنگ دینی ما احترام به پدر و مادر از جمله ضروریات و مهمترین مسائل اخلاقی محسوب شده

که خداوند متعال به آن سفارش فراوان کرده است. قرآن کریم بعد از اصل توحید، یکی از مهمترین

تعلیمات انسانی را نیکی به پدر و مادر معرفی فرموده است: پروردگارت مقرر داشت که جز او را

نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به

آنها [حتی] اف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگو و از روی مهربانی و لطف، بال

تواضع خویش را برای آنان فرودآور و بگو: پروردگارا! بر آن دو رحمت آور، همان گونه که مرا در

کودکی تربیت کردند. (اسراء/23-24)

آری، بی احترامی به پدر و مادر گناه بزرگی است که خداوند به راحتی از آن نمی گذرد و تا روز

قیامت صبر نمی کند و فرزند خطاکار را سریع مجازات می نماید. پیامبر بزرگ ما در اهمیت این

موضوع می فرماید: «کیفر سه گناه تا قیامت به تاخیر نمی افتد عاق پدر و مادر، ظلم و تجاوز به مردم و

ناسپاسی در مقابل احسان و نیکی دیگران.»

آثار نیکی و احترام به والدین

نیکی و احترام به پدر و مادر و راضی و خشنود نمودن آنان، آثار و فواید بسیار مهم و ارزنده و

سعادت دنیوی و اخروی را در پی خواهد داشت . در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1 - خشنودی خداوند و غفران الهی

خشنودی خداوند یکی از مهم ترین نتایج نیکی و احترام به والدین است چنان که امام صادق (ع) می

فرماید: «حسن سلوک و نیکی به والدین از حسن شناخت و معرفت عبد به خداوند تعالی است، زیرا

هیچ عبادتی انسان را به سرعت نیکی به پدر و مادر به خشنودی خداوند تعالی نمی رساند آن هم

احسانی که محض تحصیل رضای پروردگار باشد.»

بدین جهت خداوند در سوره اسراء بعد از آنکه انسان را به نیکی کردن و احترام به پدر و مادر دستور

می دهد، می فرماید: «پروردگارتان به آنچه در درون شماست، آگاه تر [از خودتان] است. اگر صالح

باشید، قطعاً او آمرزنده توبه کنندگان است.» (اسراء/25)

بنا بر این از آنجا که گاهی در باره حفظ حقوق پدر و مادر و احترام آنها و توافقی که بر فرزند لازم

است ممکن است لغزش هایی پیش بیاید که انسان آگاهانه یا ناآگاه به سوی آن کشیده شود . چنانچه بلافاصله پشیمان شود و در مقام جبران برآید، مسلماً مشمول عفو خدا خواهد شد.

2 - طول عمر

یکی دیگر از آثار احترام به والدین، طولانی شدن عمر انسان است . پیامبر(ص) در این باره می فرماید:

« ای فرزند آدم! به پدر و مادرت نیکی کن و صله رحم داشته باش تا خداوند، کارت را آسان و

عمرت را طولانی بگرداند. پروردگارت را فرمان ببر تا خردمند به شمار آیی و از او نافرمانی نکن که

نادان شمرده می شوی.» همچنین می فرماید: «در آنچه خدای متعال در «الواح» به موسی(ع) داد، از

جمله چنین بود:.... مرا و پدر و مادرت را سپاسگزاری کن، تا تو را از نابود شدن ها حفاظت کنم و

اجلت را به تأخیر بیندازم و به تو زندگی ای پاک ببخشم و تو را از این زندگی به سوی بهتر از آن،

ببرم.»

امام باقر(ع) نیز با تحسین کسانی که والدین خود را مورد احترام و نیکی قرار می دهند می فرماید:

«خوشا به حال کسی که به پدر و مادر خود نیکی کند، زیرا خداوند بر عمر او می افزاید»

3 - فراوانی روزی

خداوند متعال «رزاق» است؛ تمامی موجودات بر سفره لطف و احسان او حضور دارند و از نعمت های

او چه مادی و چه معنوی بهره مند می شوند. وظیفه ما در قبال این همه نعمتی که خداوند به ما عطا

کرده این است که همیشه و در همه حال سپاسگزار او باشیم. در حقیقت شکر نعمت عامل بسیار

مؤثری در افزایش نعمت ها و الطاف الهی است که خداوند با صراحت بدان اشاره فرموده است: «و

پروردگارتان اعلام کرد که اگر مرا سپاس گوید، بر نعمت شما می افزایم و اگر کفران کنید، بدانید

که عذاب من سخت است.»

پدر و مادر نیز از جمله بزرگترین نعمت هایی هستند که خداوند به بندگانش ارزانی داشته است و باید

خدا را به خاطر وجود این نعمت های گرانقدر شاکر بود.

در آیه 14 سوره لقمان، شکر والدین هم ردیف شکر خدا آمده است: «أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ؛ [به

انسان توصیه کردیم] که شکر گزار من و پدر و مادرت باش!»

امام رضا(ع) در این باره می فرماید: «خدا امر فرموده به شکر گذاری از خودش و برای والدین، پس

اگر کسی والدین را شکر نکند، خدا را هم شکر نمی کند.

4- آسان شدن مرگ

مرگ یک رخداد طبیعی در زندگی انسان است و در روایتی از امام رضا(ع) به عنوان یکی از

وحشتناک ترین مراحل زندگی انسان معرفی شده است. در حالی که مرگ برای انسان مؤمن و صالح

آسان و بنا به سخن امام علی(ع) ارزشمندترین هدیه برای او می باشد آن جا که فرمود: «أفضل تحفة

المومن الموت»

خداوند در قرآن کریم در وصف مرگ پرهیزگاران می فرماید: «همانها که فرشتگان [مرگ] روحشان

را می گیرند در حالی که پاک و پاکیزه اند به آنها می گویند: «سلام بر شما! وارد بهشت شوید به

خاطر اعمالی که انجام می دادید!» (نحل/32)

امام صادق(ع) راحتی در هنگام مرگ و آسان شدن سكرات موت را از دیگر آثار احترام و نیکی به

والدین بر شمرده و می فرماید: «کسی که دوست دارد خدای متعال سختی های مرگ را بر او آسان

سازد، نسبت به خویشان و نزدیکان و پدر و مادرش نیکوکار باشد و اگر چنین کند خدای متعال

سختی های مرگ را بر او آسان می کند»

5 - ورود به بهشت و برخورداری از درجات بالای بهشتی

از جمله آثار اخروی که در نتیجه احترام به پدر و مادر برای انسان حاصل می شود، رسیدن به بهشت و بهره مندی از نعمتهای فراوان آن است.

خداوند در قرآن سعادت و شقاوت انسان را بسته به اعمال او می داند و برای هر یک از اعمال انسان درجه و مرتبه ای قرار داده است: «برای هر یک برابر اعمالی که انجام داده اند درجاتی است، که پروردگار تو از آنچه می کنند غافل نیست.» (انعام/132)

اگر احترام به پدر و مادر در نزد خدا در مرتبه ای بسیار بالا قرار دارد، پس چه پاداشی بهتر و

ارزشمندتر از بهره مندی از بهشت و درجات بالای آن برای انسان می تواند وجود داشته باشد؟

امام باقر(ع) در مورد مؤمنان برخورداری از جایگاه والای بهشتی می فرماید: «اگر مؤمنی چهار ویژگی

در خود داشته باشد خداوند او را در بالاترین و شریف ترین جایگاه قرار خواهد داد: کسی که یتیمی

را پناه داده و بر او پدرانه نظر افکند، کسی که ضعیفی را مورد ترحم قرار دهد و در حد کفایت به او

کمک کند، کسی که به والدین خود انفاق و با آنان مدارا کند، و [آن که] به ایشان نیکی کرده و از

نگران ساختن آنها اجتناب نماید.»

6 - همنشینی با نیکان

یکی از پیامدهای نیک احترام به والدین، همنشینی با نیکان در آخرت است. بزرگترین آرزو و

خواسته اهل ایمان، همنشینی با «ابرار» چه در دنیا و چه در آخرت است. آنان از خدا می خواهند که با

نیکان بمیرند و با ایشان محشور شوند: «پروردگارا! گناهان ما را بیامرز و زشتی های ما را بپوشان و ما

را با نیکان بمیران.»

کسی که به خدا ایمان داشته باشد، برای جلب رضایت خدای متعال و برخورداری از فضل و رحمت

الهی تمام سعی و تلاش خود را به کار می گیرد و با اعمال شایسته، راه رسیدن به رستگاری را می

پیماید. یکی از آن اعمال نیک، احترام به پدر و مادر است که سعادت آخرت و همنشینی با نیکان را

به دنبال خواهد داشت.

پیامبر اکرم(ص) در بیان نیکی به پدر و مادر و نتیجه آن در آخرت و روز قیامت می فرماید: «کسی

که برای پدر و مادرش حج انجام دهد و یا بدهکاری آنها را بپردازد، خداوند او را در روز قیامت با

نیکان بر می انگیزد.»

7 - اجابت دعای والدین در حق فرزندان

انسان موجودی است که همیشه به خداوند محتاج است و همواره در تمام کارها باید به او متوسل شود

و از او کمک بخواهد . دعا بهترین وسیله ارتباط بین خدا و انسان است . خداوند بزرگ بندگان خود

را به دعا کردن سفارش نموده و وعده استجابت به آنان داده است. چنانکه در سوره بقره می فرماید:

«دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم.»

البته خداوند متعال برای دعا و استجابت آن و همچنین برای درخواست کنندگان آن شرایطی قرار

داده است که باید به آن شرایط عمل نمود. در این خصوص پدر و مادر از جمله کسانی هستند که

دعایشان در حق فرزندان خوش رفتار مستجاب می شود .

در اهمیت دعا برای فرزندان همین بس که حضرت امام سجاد(ع) در صحیفه سجاده، دعای 25 را به

فرزندان خود اختصاص می دهد و از خداوند نیک بختی آنها را می خواهد.

امام صادق(ع) در اهمیت دعای والدین در حق فرزندان می فرماید: «خداوند دعای سه کس را رد

نخواهد کرد: دعای پدر در حق فرزند در هنگام نیکی به او، دعای پدر بر ضد فرزند(نفرین) هنگامی

که مورد عاق او واقع شود و دعای مظلوم بر ظالم.»

8 - موجب نیکی فرزندان

والدین از نظر اخلاقی و تربیتی بر فرزندان خود تأثیر زیادی دارند. پدر و مادر اولین کسانی هستند که

فرزندان در تمام مراحل زندگی، آنها را به عنوان الگوی خود قرار می دهند.

بنا بر این کسی که انتظار ادب و معرفت و حق شناسی از فرزندانش دارد، باید همین حالت را نسبت به

پدر و مادر خودش و بزرگترها نشان دهد، تا کوچکترها هم از او بیاموزند. اگر کسی پدر و مادرش را

احترام کرد نتیجه آن را در احترام فرزندانش به خود خواهد دید. اگر فرزند ببیند که پدر و مادرشان

نیکی به والدین را سرلوحه زندگی خود قرار داده اند و به آن اهتمام می ورزند، او هم نسبت به آنان

چنین خواهد کرد.

امام صادق (ع) می فرماید: «به پدران تن نیکی کنید تا فرزندان تن به شما نیکی کنند.»

(بحارالانوار/ج 71/ص 65)

اسراف و ریخت و پاش

آدمی در شبانه روز برای رفع احتیاجات خوراکی و پوشاکی، جنسی، رفت و آمد و... خود، باید غذا برای خوردن و لباس برای پوشیدن و همسر برای آرامش و رفع غریزه جنسی و مرکب سواری داشته باشد.

انسان بعنوان خلیفه خدا در زمین تا چه حد می تواند از این نعمتها استفاده کند؟ حد و اندازه خوردن چقدر است؟ لباس تا چه اندازه؟ مصرف انرژی چقدر؟

خداوند در قرآن اندازه آنرا معین کرده و فرموده است که:

«مؤمنین آنانی هستند که وقتی خرج می کنند، اسراف نکرده و بخل هم نورزیده بلکه حد وسط را رعایت می کنند.» فرقان 67

«بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.» اعراف 31

«امام صادق (ع): خوردن و آشامیدن و پوشیدن و ازدواج و سوار مرکب شدن اگر با میانه روی باشد، حلال و الا حرام است چون خدا در سوره انعام آیه 141 فرموده است: اسراف نکنید که خدا مسرفین را دوست ندارد.»

علی ع: یابنی! واقتصد فی معیشتک.

قناعت و صرف جویی شعار اسلام است و حرص و طمع خارج از اعتدال و مخالف انسانیت است. کلو و اشربوا ولا تسرفوا.}

امام باقر ع: سه چیز نجات دهنده انسان است: ترس از خدا در آشکار و نهان. میانه روی در خرج در هنگام غنا و فقر. سخن به عدل در خوشنودی و غضب.

بر درب سوم بهشت نوشته است: لا اله محمد رسول الله و علی ولی الله. انّ لكل شیء حيلة و حيلة الصحة فی الدنيا اربع خصال. قلة الكلام و قلة المنام و قلة المشی و قلة الطعام. هر که در دنیا سلامتی می خواهد چهار مطلب رعایت کند. کم حرفی. کم خوابی. کم راه رفتن. کم خوری

افراط در مصرف مواد دارویی و غذایی و انرژی بزرگترین ضربه به کشور است!

.آمار رسمی نشان می دهد که مصرف دارو در کشور ما بیشتر از کشور هفتصد میلیونی هند است. مصرف انرژی در کشور ما به اندازه 20 برابر استاندارد است. سرانه مصرف ما در انرژی به اندازه کشور یک میلیاردی چین است. مصرف آب در کشورهای اروپایی که چند برابر ما باران و نزولات آسمانی دارد بسیار کمتر از ماست در فرهنگ آنها برای مصرف آب از تکنولوژی روز و مدرن برای پایین آوردن مصرف آب استفاده می کنند. آمار نشان می دهد سالانه بین 15 تا 40 درصد محصولات کشاورزی در چرخه تولید تا مصرف از بین می رود که بخشی از این معضل به دولت، سیاستگذاری ها و راهکارهای آن برای جلوگیری از هدر رفت محصولات کشاورزی و بخش دیگر آن به فرهنگ نادرست مصرف نزد مردم برمی گردد.

.همچنین نتایج تحقیقات و مطالعات مختلف بیانگر آن است که در بخش کشاورزی کشور، آب به شکلهای مختلف و به میزان زیادی تلف می شود به نحوی که بازده کل آبیاری در کشور بین 33 تا 37٪ تغییر می نماید. یعنی حدود 70٪ از منابع آب به صورت تبخیر، نفوذ عمقی، جریانات سطحی به

زهک‌شها، و از طریق رودخانه‌هایی که به دریا ریخته و یا از مرزهای کشور خارج می‌شوند تلف می‌گردد.

بخش عمده مصرف بالای حامل‌های انرژی در کشور به دلیل هدر رفت یا اتلاف انرژی در بخش‌های مختلف مصرف است. روند بسیار بالای میزان اتلاف انرژی عمدتاً به دلیل غیراستاندارد بودن سیستم‌های انرژی‌بر، عدم توجه به طراحی‌های مناسب برای بهینه‌سازی مصرف انرژی در نیروگاه‌ها، شبکه انتقال و توزیع نیرو، صنایع خودروسازی و دیگر دستگاه‌ها و وسایل انرژی‌بر و ساختمان‌ها است.

به عنوان مثال اگر نیروگاه‌های ما برای تولید برق 100 واحد گاز دریافت می‌کنند، حدود 70 واحد آن را هدر می‌دهند و تنها از 30 واحد آن استفاده می‌کنند یا وقتی برق تولیدی وارد شبکه انتقال می‌شود تا زمانی که به دست مصرف‌کننده برسد، بالاتر از 21 درصد از آن هدر می‌رود در حالی که هدر روی یا پرت انرژی در شبکه‌های انتقال و توزیع بیشتر کشورهای دنیا بین 5-7 درصد و حتی در کشور بنگلادش 9 درصد است. بررسی میزان هدر روی انرژی در ایران نشان می‌دهد که فقط در سال 86 حدود 60 میلیارد دلار هدر روی انرژی داشته‌ایم که رقم قابل توجهی است

. با مقایسه آمار مصرف بنزین در ایران در سال 1355 با کشورهای ترکیه و فرانسه نشان می‌دهد که در آن زمان مصرف بنزین در کشور ما و ترکیه تقریباً برابر و حدود 7 میلیون لیتر در روز بوده است. در فرانسه نیز مصرف بنزین 6 برابر ایران بوده است؛ اما با گذشت 30 سال از آن زمان آمارها نشان می‌دهد که مصرف بنزین در فرانسه در سال 1385، معادل نصف مصرف این فرآورده در ایران است

معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی با بیان اینکه روزانه از سهم گاز مصرفی نیروگاه‌ها کاسته و به سهم گازوئیل اضافه می‌شود گفت: وضعیت کنونی مصرف برق در شبکه سراسری کاملاً غیرمنطقی، غیر طبیعی و نگران کننده است.

عباس علی آبادی در گفت و گو با فارس افزود: موضوعی که بنده بر آن تاکید دارم این است که مصرف برق باید کنترل شود چرا که میزان مصرف انرژی در کشور بیش از اندازه و استانداردهای جهانی است.

وی ادامه داد: وضعیت کنونی مصرف برق در حال حاضر در شبکه سراسری برق کاملاً غیرمنطقی، غیرطبیعی و نگران کننده است که به لحاظ اقتصادی به کشور صدمه وارد می کند.

اضرار به دیگران

ذکر این نکته در اینجا ضروری است که زیاده‌روی در مصرف آب و برق علاوه بر عنوان اسراف به عنوان ضرر به دیگران نیز حرام است. به عبارت دیگر زیاده‌روی در مصرف آب و برق و مانند آن دو عنوان و حیثیت دارد و به هر دو عنوان حرام است. یکی عنوان اسراف از نظر زیاده‌روی در مصرف و هدر دادن. دوم عنوان ضرر به غیر است زیرا زیاده‌روی در مصرف آب و برق موجب قطع آن و ضرر به دیگران می گردد، موجب قطع برق کارخانه، بیمارستان و مراکز صنعتی و دولتی و خانه‌های مردم می گردد و این ضرر به دیگران است. از طرفی موجب محرومیت مناطق دیگری از این نعمت می شود در همین رابطه فقهاء بزرگوار تحت عنوان قاعده لا ضرر احکامی دارند مرحوم شیخ انصاری می فرماید:

«اگر مالکی در مال خود تصرف کند در صورتی که احتمال قوی بدهد این تصرف موجب ضرر

به انسانی می شود جایز نیست زیرا در جواز این عمل ضرر بر دیگری است در حالی که منع نمودن

صاحب مال از تصرف بیهوده باعث ضرر او نمی‌گردد. کسی که آتشی را بیش از اندازه مورد نیازش برافروزد و احتمال قوی سرایت به اموال دیگران را بدهد اگر سرایت کند ضامن است.^۱ بر همین اساس امام خمینی (ره) زیاده‌روی در مصرف آب و برق را موجب ضمان می‌داند.

1- قال علی (ع) «کلّ مازاد علی الاقتصاد اسراف».^۲

علی (ع) می‌فرماید: آنچه بیش از حد کفاف باشد اسراف است.

2- قال علی (ع) «ما فوق الکفاف اسراف».^۳

«بررسی‌ها و پژوهش‌های کارشناسان نشان می‌دهد میانگین مصرف آب در ایران در ازای هر یک نفر جمعیت 2 متر مکعب (2 هزار لیتر) است این رقم بیش از حد معمول و مورد نیاز در مقایسه با جوامع پیشرفته صنعتی که به طور متوسط روزانه 750 لیتر آب مصرف می‌کنند نگران کننده است این نگرانی زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم برای انتقال، پالایش و توزیع هر متر مکعب آب معادل 200 ریال هزینه به دولت تحمیل می‌شود-300

چه بسیار غذاهای که با زحماتی پخته و آماده می‌شود ولی مقداری از آن به سطلهای زباله منتقل می‌گردد.

در کشور ما میلیاردها تومان صرف نانی می‌شود که شصت درصد آن مصرف نمی‌شود.

25- مکاسب قاعده لا ضرر ص 375.

23- غرر ج 2 ص 547.

24- مستدرک ج 2 ص 645.

مصرف بسیاری از مواد بسیار مهم کشور ما حداقل دوبرابر استاندارد جهانی است!

میلیاردها تومان صرف تهیه سیگار و دود کردن آن میشود.

میلیاردها تومان صرف جشنهای آنچنانی عروسی‌ها و جشنواره‌های بی‌خاصیت که هیچ بار فرهنگی مثبت ندارد، می‌گردد.

میلیاردها تومان صرف مواد مخدر می‌گردد.

ضرر افراط در مصرف یکی دوتا نیست بلکه زیان‌های ناشی از مصرف زیاد مواد غذایی و انرژی به مسئله سلامت جامعه هم آسیب وارد می‌کند. افزایش سرطان‌ها و بیماری‌های قلبی و غیره به عدم استاندارد بودن مصرف کشور ما برمی‌گردد.

عدم اعتدال در مهمانی‌ها!

«دو دختر مسلمان فرانسوی که به ایران آمده بودند و در بعضی از مراسمات جشنها شرکت کرده بودند، اظهار داشتند: شما که انقلاب کرده‌اید، همه چیزتان خوب است غیر از مراسم عروسی‌تان! که خیلی اسراف می‌کنید در حالیکه می‌توانید هزینه این جشنها را صرف خرید وسایل زندگی عروس و داماد نمائید.»

آری در بسیاری از مهمانی‌های ما ایرانی‌ها اسراف صورت می‌گیرد و مواد غذایی فراوانی دور ریخته می‌شود. و برکت مهمانی را تبدیل به نامبارکی می‌کند. چرا باید برای یک مهمانی، انواع غذاها طبخ گردد و هزینه فراوانی صرف گردد؟

اسراف باعث عذاب

«هر مسلمانی مخصوصاً پدر و مادر و وظیفه دارند که در همه مصارف زندگی حد و وسط را رعایت کنند که اسراف باعث از دست رفت نعمتهای حلال دنیوی و باعث عذاب اخروی می شود.»

«امام صادق (ع): هر ساختمانی که بیش از مقدار نیاز باشد، در آخرت وبال گردن صاحبش می شود»

چشم و هم چشمی عامل اسراف!

«یکی از علل اسراف و تبذیر (ریخت و پاش) چشم و هم چشمی های ناسالم است. مثلاً فلان شخص در عروسی فرزندش چقدر خرج کرد من باید دو برابر او یا مثل او خرج کنم..»

همچنین تجمل گرایی نیز از علل اسراف و تبذیر می باشد. تقلید از فرهنگ غرب و توجه بیش از حد به زخارف و زبرج دنیا که مانع توجه به خدا است، باعث می شود پولهای کلانی در مصارف غیر لازم و غیر اجب صرف گردد.

راهکار اصلاح الگوی مصرف

1- از مهمترین علل مصرف بی رویه در کشور ما تاثیرات مخرب صدا و سیما می باشد. باید متولیان این نهاد فرهنگ ساز، در این زمینه اقدام انقلابی کرده و همه برنامه هایی که تبلیغ مستقیم یا غیر مستقیم تجمل گرایی و مصرف گرایی است را اصلاح نمایند.

هنچنین در زمینه تهیه برنامه های که الگوی صحیح مصرف را نشان می دهد سرمایه گذاری نمایند.

2- کتاب و مقالات در زمینه الگوی درست مصرف برای اقشار مختلف جامعه تهیه گردد.

3- آداب و سنن اسلامی در زمینه چگونه خوردن؟ چگونه پوشیدن؟ و چگونه زندگی کردن را باید بصورت گسترده ترویج نمود.

- 4- برای اجناس وارداتی تجملاتی هزینه های زیاد گمرکی وضع نمود.
- 5- زندگی مسئولین باید براساس زندگی متوسط و میانه باشد. و مخصوصا در عروسی فرزندان شان رعایت اعتدال را بکنند.
- 6- بازیگران و هنرپیشه های مشهور را در جهت ترویج الگوی صحیح مصرف بکارگیری نمایند.
- 7- بزرگان کشورمان در برنامه های سیما حاضر شده و مردم را به زندگی میانه توصیه فرمایند.
- 8- خانواده هایی که در این زمینه موفق بوده اند تشویق گردند.
- 9- مسئله مقایسه بین مصرف در کشورهای مختلف با مصرف در کشورما بررسی و به مردم گزارش شود.
- 10- روش های کشورهای موفق در مصرف صحیح برای ملت ایران تبیین گردند.
- 11- در زمینه اندازه خوردن و میزان مورد نیاز غذا برای بدن از طرف وزارت بهداشت و آموزش و پرورش و دیگر متولیان امر، کیفیت غذا خوردن و اندازه آن بصورت گسترده اشاعه گردد.
- 12- کنترل زیاده روی در مصرف دارو نیاز به همکاری پزشکان عمومی دارد که بعضا داروی زیادی تجویز می کنند که باید در این زمینه اقدام مقتضی انجام گیرد.
- 13- کنترل مصرف انرژی در کشور نیاز به فعالیت سخنرانان، صدا و سیما، قسمت مبارزه با قاچاق کالا، نیروی انتظامی، و دیگر متولیان امر دارد تا بتوان در این زمینه موفق شد.
- 14- در زمینه کنترل زیاده روی در مصرف آب شرب و کشاورزی باید بطور وسیع در زمینه مکانیزه کردن آبرسانی در کشاورزی واحداث صدها سد کوچک در کشور و تغییر لوله کشی قدیمی شهرها بهره برد. {در زمان طاغوت یکی از کارشناسان اسرائیل غاصب به شاه گفته بود شما که می گوئید

ایران کمبود آب دارد درست نیست. شما فقط رودخانه های کردستان را در اختیار من بگذارید تا من کل ایران را آب بدهم!} و در کشور فلسطین اشغالی با استفاده از روشهای جدید و صنعتی نمی گذارند آبها هدر برود و از همه آنها استفاده می شود.

باید سرمایه گذاری عظیمی در استفاده از روشهای نوین آبرسانی انجام داد تا مشکلات کمبود آب در سراسر ایران برطرف گردد.

اسراف در روایات

1- عن ابی عبدالله (ع): «ادنی الاسراف هراقه فضل الاناء و ابتذال ثوب الصون والقاء النوی».^۴

امام صادق (ع) می فرماید: «کمترین اسراف ریختن اضافی آب، پوشیدن لباس آبرو در منزل و انداختن هسته خرما است.

2- قال الصادق (ع): «ان لله ملكاً يكتب سرف الوضوء كما يكتب عدوانه».^۵

امام صادق (ع) می فرماید: همانا خدا فرشته ای دارد که اسراف در وضو را می نویسد چنانکه اسم دشمنانش را می نویسد.

3- عن عبدالله بن عمر مرّ رسول الله (ص) بسعد و هو يتوضأ فقال لا يسرف يا سعد قال افی الوضوء سرف قال نعم و ان كنت علی نهر جار»^۶

18- بحار ج 75 ص 303.

19- وسایل ج 1 ص 340.

رسول اکرم (ص) در مسیر با سعد برخورد کردند و فرمودند: ای سعد اسراف نکن. سعد گفت: یا رسول الله آیا در وضوء هم اسراف است. حضرت فرمودند: آری اگر چه در کنار نهر جاری باشی.

4- قال علی (ع) «ان السرف امر یبغضه الله.... حتی صب فضل شرابک».^۷

علی (ع) در ضمن حدیثی می فرماید: «اسراف چیزی است که خدا مبغوض می دارد حتی دور ریختن اضافه آب».

«رسول خدا (ص): از علامتهای اسراف آنستکه آنچه در شان او نیست می خورد و آنچه در شان او نیست می پوشد و آنچه در شان او نیست می خرد»

«امام صادق (ع): کمترین حد اسراف آنستکه اضافه آب را دور بریزی و یا لباس مخصوص بیرون را در خانه بپوشی و یا لباس تمیز را در محل کثیف بپوشی!»

20- تفسیر صافی ج 3 ص 187.

21- فروع کافی ج 4 ص 52.

بخل و خساست

بخل به معنای دست بسته بودن و دم تمایل به استفاده رساندن به برادران و خواهران خود از فضل و نعمت های الهی است که به او داده شده نمی بخشد و دوست ندارد کسی از ثروت او چیزی بدست آورد و این بخاطر دلبستگی سخت و محکم به مادیات است که در او بصورت بخل جلوه می نماید. قرآن می فرماید:

((و لا يحسبن الذين ييخلون بما اتاهم الله من فضله هو خيرا لهم بل هو شر لهم سيطوقون ما بخلوا به يوم القيمة و لله ميراث السموات و الارض والله بما تعملون خبير))

گمان نکنند آنانیکه نسبت به آنچه خداوند به آنان از فضلش داد.

یخل می ورزند برایشان این بخیل بودن خیر است بلکه خیر نیست و این شر است برای آنانکه آنچه بخل نموده اند روز قیامت برگردنشان آویخته می شود و برای خداست میراث آسمانها و زمین و خدا به آنچه می کنید آگاه است.

پیامبر (ع) بارها فرمود:

((الهم انی اعوذبک من البخل))

خدایا از بخل به تو پناه می برم.

و فرمود: در دل مؤمن دو خصلت جمع نشود: بخل ، بدخلقی .

و فرمود: نزد خداوند بخیل از ظالم بدتر بود و خدا قسم خورده که به عظمتو جلالتم بخیل را وارد بهشت ننمایم.

شاعر گوید:

بخور ، بپوش ، ببخش و بدانکه حاصل عمر

خرد ندانست کس کوبه دیگری بگذاشت

آورده اند : در اصفهان مردی بود مالدار ولی بخیل که دست کسی به غذای او نرسیده و شامه روزگار بوی شوربای او نشنیده مصداق این شعر:

از بخیلی که هست امساکش

گربرنند دست نا پاکش

نیست ممکن که نیم قطره خون

آید از دست ممسکش بیرون

سه پسر داشت چون موقع مرگش رسید خواست امتحان کند کدامیک از پسرانش از جهت بخل از خودش بخیل تر هستند جانشین خود سازد پس پسر بزرگ خود را خواسته گفت تو نان چگونه خوری گفت نان با پنیر خورم گفت برو که بدبختی و تو را از دولت بهره نیست و پس دوم را طلبید و گفت نان چگونه خوری گفت نان به پنیر می مالم و می خورم گفت تو نیز بدبختی و از ساعات حظی نداری پسر سوم را خواست و گفت نان چگونه خوری گفت من پنیر را در خیال گذرانیده نان را با پنیر خیالی می خورم . گفت تو پسر منی پس کلید اموال خود را به او داد.

سخن حضرت یحیی (ع):

نقلست که حضرت یحیی (ع) شیطانرا بصورت اصلیش دید گفت ای ابلیس مرا خبر ده که کدام صنف از مردمان را دوست می داری و کدام صیف را دشمن گفت: دوستان کس نزد من مؤمن بخیلست و دشمن ترین کس نزد من فاسق سخاوتمند . یحیی (ع) گفت: این چیست که می گوئی گفت زیرا بخیل بخلش (برای گمراهی) کافی باشد و خداوند به سخاوت سخاوتمند و نظر افکند و او را بیمارزد و بدی قباح فسق را به او نگیرد.

پیامبر (ص) فرمود:

((اتقوا الشح فانه اهلك من كان قبلکم))

از بخل پرهیزید زیرا بخل اقوام گذشته را نابود نمود.

آورده اند: پادشاهی که به کمال سخاوت بود روزی با یکی از درباریان خود صحبت می کرد و به او گفت مرا آرزوی آنستکه هزار هزار درهم بیک نفر ببهشم او گفت این مقدار بسیار است و برای یکنفر زیاد است گفت اگر نصف دهم چطور است گفت اینمقدار نیز زیاد است پادشاه گفت ای بدبخت من می خواستم این بخشش را به تو نمایم خود را محروم نموده و مرا از سخاوت بازداشتی .

مرد هر چند در هنر کوشد

بخل او جمله را فرو پوشد

از لیلمان تیره دل بگذیز

در کریمان پاک دین آویز

بدترین مرگها:

روزی پیامبر اسلام (ص) گرد خانه کعبه طواف می نمود . مردی را دید دست بر پرده آویخته می گوید: خدایا تو را به عظمت این خانه سوگند می دهم که گناهم را بیامرزی آنجناب فرمود گناهت چیست و عرضکرد بزرگتر از آنستکه شرح دهم پرسید گناه تو بزرگتر است یا زمینها جوابداد گناه من بزرگتر است. سؤال کرد گناه تو بزرگتر از کوه ها است پاسخ داد آری فرمود از دنیا ها بزرگتر است گفت بلی پرسید گناهت بزرگتر است یا آسمانها عرضکرد گناه من فرمود از عرش نیز بزرگتر است جوابداد آری پرسید گناه تو بزرگتر است یا خدا عرضکرد خدا ، از تفصیل گناهش جويا شد گفت یا رسول الله من مردی ثروتمندم هر گاه مستمندی یه من مراجعه می کند به اندازه ای ناراحت می شوم مثل اینکه کسی با آتش گداخته به من روی آورده پس پیامبر (ص) فرمود دور شو از من که با آتش خود مرا نسوزانی به آن خدائیکه مرا ی برای خدایت بر انگيخته اگر بین رکن و مقام دو هزار سال نماز بخوانی و آنقدر گریه کنی که از اشک چشمت جویها جاری شود و درختها آبیاری گردد در صورتیکه با بخل و لثامت بمیری خداوند تو را با سر در آتش خواهد انداخت . و ای بر تو مگر نمی دانی خدا در قرآن فرمود:

((و من یبخل فانما یبخل عن نفسه))

هر کس بخل ورزد از استفاده مالش نسبت به خود جلو گیری کرده است.

بخیلتر از بخیل (داستان):

بخیلی کوفی شنید در بصره مرد بخیلیست که در این صفت کامل است. بطرف بصره رفت تا با مصاحبتی اندازه بخلش را بیازماید. پس از ملاقات گفت من از راه دور به آرزوی همنشینی آمده‌ام تا شما که در این صفت مشهوری مرا چیزی بیاموزی گفت چون رنج سفر برده‌ای و از راه دور آمده‌ای اینک بر ما لازم است تو را میهمانی کنیم. فعلا میل به چه غذائی داری تا تهیه کنم. مرد کوفی گفت مدتها است که آرزوی پنیر تازه دارم اگر فراهم شود بد نیست که خیلی مشتاقم.

بصری ظرفی برداشته ببار آمدی برای میهمان تازه وارد پنیر تهیه کند بدکان پنیر فروش مراجعه کرده گفت از کوفه میهمان عزیزی وارده شده و پنیر تازه خواسته مایلم یک درهم پنیر تازه خوب بدهی دکاندار گفت پنیری بدهم که مانند سر شیر باشد. بخیل با خود اندیشید که پس سر شیر بهتر از پنیر است جوانمردی آن است که بهتر را برای مهمان تهیه کنم. از دکان پنیر فروش خارج شده به سر شیر فروش مراجعه نمود از او نیز سر شیر خوب درخواست نمود. دکاندار گفت سرشیری برایت بیاورم که صافتر از روغن زیتون باشد. باز گفت معلوم می شود روغن زیتون بهتر از سر شیر است به روغن فروش مراجعه نموده و درخواست روغن خوب کرد. فروشنده گفت روغن صافتر از آب زلال دارم. بخیل گفت اینطور که معلوم می شود آب زلال بهتر از روغن زیتون است از روغن فروش جدا شده و گفت در خانه آب زلال خودم دارم. به منزل برگشته ظرف را پر از آب زلال نموده پیش میهمان نهاد گفت تمام بازار بصره را گشتم بهتر از آب زلال چیزی نیافتم. داستان را از اول تا آخر شرح داد. کوفی دست بخیل بصری را بوسیدخ گفت گواهی می دهم که تو در این فن از من استادتری . پیامبر (ص) فرمود: بخیل از خدا مردم و بخشت دور بوده و به جهنم نزدیک است و بدترین دردها بخل است.

بخل موجب از دست دادن نعمت است:

آورده اند که بخیلی روزی با اهل و عیالش طعام می خورد. سائلی به درب منزل آمده تقاضای کمک کرد ولی همینکه زن خواست چیزی به فقیر بدهد شوهر عصبانی شد و کارشان به طلاق کشید. تا اینکه زن پس از مدتی ازدواج کرده و با شوهر دومش زندگی می کرد. روزی با شوهرش بر سر سفره نشسته بود که فقیری درب خانه آمده و تقاضای کمک کرد. شوهر گفت آنچه از طعام مانده بردار و به او بده وقتی زن طعام را به دم درب خانه برد و به فقیر داد ناگهان متوجه شد این فقیر شوهر سابقش است پس فریاد زن بلند شد شوهر او آمده و گفت چه شد گفت این فقیر شوهر اولم است که مال بسیاری داشت ولی به سبب بخل مالش تلف شد و زندگیش از هم پاشید.

ضرب المثل است که یک آدم بخیلی بود که یک شب خدا به او گاوی داد و فردای آن شب هم به همسایه او یک گوساله آدم بخیل وقتی که خبردار شد به درگاه خدا نالید و گفت: خداوندان نه می خواهم این گاو را به من بدهی و نه آن گوساله را به همسایه ام.

پیامبر (ص) فرمود: از بخل پرهیزید زیرا که بخل پیشینیان را هلاک کرد و آنها را وادار کرد که بخون یکدیگر بیالایند و محارم خویش را حلال شمارند.

کینه و دشمنی

کینه ای نباشیم

یکی از ویژگی های مردان و زنان خداجو، پرهیز از کینه توزی است. آنان آرزومندند که دل های شان همچون دل های بهشتیان، تهی از کینه و دشمنی مؤمنان شود. در کریمه قرآنی آمده: «وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا؛ در دل «.هایمان از آنان که ایمان آورده اند، کینه ای قرار مده

حضرت علی علیه السلام در سفارش، برای کینه زدایی از دل ها می فرماید: «طَهَّرُوا قُلُوبَكُمْ مِنَ الْحِقْدِ فَإِنَّ دَاءَ مَرَمِي؛ دل ها را از کینه پاک سازید، زیرا کینه توزی «. دردی مهلک است

::امام صادق (ع) لیه السلام فرمود

الْمُؤْمِنُ يُحَقِّدُ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ فَإِذَا قَامَ ذَهَبَ عَنْهُ الْحَقْدُ.

مؤمن وقتی در مجلس است [ممکن است] دچار کینه شود، ولی آن گاه که از مجلس خارج شد، کینه هم از دل او می رود

متأسفانه برخی از انسانها کینه ای هستند و اگر سر موضوعی کینه ادم رو در دل بگیرند دیگه به این زودبها دست از دشمنی بر نمی دارند و رفیق نمی شوند. مخصوصا اگر همسر انسان یا فامیل باشه یا همسایه ادم باشه! گاهی کار به قتل و جنایت می ...کشه. گاهی طلاق و خودکشی و

اگر اخبار مربوط به حوادثی که بر اثر کینه اتفاق می افتد رو مرور کنیم می بینیم بسیاری از جنایات و اتفاقات بد بخاطر کینه است

چندی پیش زن جوانی با مراجعه به دادگاه خانواده درخواست طلاق داد و در خصوص علت آن به قاضی گفت: آقای قاضی شوهرم خیلی آدم کینه‌ای است و هنوز هم بعد از گذشت دو سال نتوانسته دعوایی که روز عروسی با هم داشتیم را فراموش کند.

(تلخیص از کتاب معراج السعاده ملا احمد نراقی ، ص 222 و 185 و 178)

کینه و دشمنی بر دو قسم است: زیرا هر که عداوت کسی را در دل دارد یا آن را در دل پنهان می کند و انتظار زمان فرصت را می کشد، یا آشکار در صدد ایذا و اذیت آن شخصی است که او را دشمن دارد، و اظهار عداوت او را می کند.

قسم اول را «حقد و کینه» گویند، که عبارت است از: پنهان کردن عداوت شخصی در دل و قسم دوم را «عداوت» نامند، و این ثمره قسم اول است، زیرا که: چون کینه قوت گرفت و عداوت شدید گردید، خزانه دل از محافظت آن عاجز، و پرده از روی کار بر می دارد. و قسم اول از ثمرات غضب است، زیرا که: چون آدمی بر دیگری خشم گیرد و به جهت عجز از انتقام یا مصلحتی دیگر آن وقت اظهار غضب نکند و خشم خود را فرو برد و در دل خود پنهان سازد کینه حاصل می شود. و هر یک از این دو قسم از صفات مهلکه و اخلاق رذیله است

و از اخبار مستفاد می شود که: مؤمن کینه ور نیست. و در غالب اوقات صفات مهلکه دیگر نیز از کینه و عداوت متولد می گردد، چون حسد و غیبت و دروغ و بهتان و شماتت و اظهار عیب و دوری و

ایذاء و سخریت و استهزاء و غیر این‌ها از آفات و اعمال محرمة است که دنیا و دین آدمی را فاسد می‌سازد.

و اگر فرض شود که هیچ یک از این‌ها حاصل نشود همان خود بغض و عداوت او از امراضی است که نفس قدسی را بیمار، و همیشه روح از آن متألم و در آزار است. آدمی را از بساط قرب الهی دور، و از مرافقت ساکنان عالم قدس مهجور می‌گردانند. و صاحب خود را منع می‌کند از آنچه شیوه اهل ایمان و شیمه اخیار و نیکان است، و از بشاشت و شکفتگی و مهربانی و فروتنی و مرافقت و همنشینی نسبت به کسی که کینه او را در دل دارد. و خود را از اعانت و قضاء حوائج او باز می‌دارد. و هر یک از این‌ها درجه‌ای از دین را کم می‌کند و پرده میان آدمی و میان بار یافتگان بزم تقرب می‌گردد. و از این جهت است که در اخبار و آثار مذمت بی‌شمار در خصوص عداوت و دشمنی وارد شده است. حتی اینکه حضرت پیغمبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند که: «هیچ وقتی جبرئیل - علیه السلام - به نزد من نیامد مگر این که گفت: ای محمد از عداوت و دشمنی مردم احتراز کن». و فرمودند که: «جبرئیل هرگز در هیچ امری این قدر به من وصیت نکرد که در خصوص عداوت مردم». و حضرت صادق - علیه السلام - فرمودند که: «هر که تخم عداوت بکارد همان را که کاشته است درو». «می‌کند».

معالجه عداوت و دشمنی

و معالجه این صفت خبیثه آن است که: اول تأمل کند در این که دشمنی و عداوت، شجره‌ای است که: به جز اندوه و الم در دنیا ثمری ندارد. و صفتی است که: غیر از غصه و غم اثری نمی‌بخشد. ساغری است که: به جز زهر جانگزا به کام صاحب خود نریزد. و آتشی است که: به غیر از دود کدورت از آن بر نخیزد، زیرا که عدو مسکین همیشه با اندوه و غصه قرین، و پیوسته با رنج و محنت همنشین است. به سبب عداوت خاندانهای کهن بر باد، و دودمان قدیم از بیخ و بنیاد بر افتاد. و بسا

دولتهای بی‌پایان که به سبب عداوت به نکبت مبدل، و بسا عزت‌ها که بنیادش به تیشه عداوت سست و مختل گردیده.

بلکه آنچه از کتب و تواریخ و سیره‌ها و احوال مردمان، مکرر معلوم شده آن است که

هیچ دولتی به سر نیامد مگر به واسطه عداوت و دشمنی

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد نهال دشمنی بر کن که رنج بی‌شمار آرد و اکثر آن است که: مطلقاً از کینه و عداوت، ضرری به آنکه او را دشمن دارند نمی‌رسد. و بعد از آن ملاحظه عاقبت آن را در آخرت بنماید که آدمی را به عذاب الیم می‌رساند. و چون این امور را تأمل کرد، و متنبه گردید که: عاقل همیشه خود را در حالتی باقی نمی‌دارد که مضرات آن به او عاید، و دشمن از آن منتفع گردد، پس سعی نماید که با آن شخصی که عداوت و کینه دارد رفتار دوستانه و گفتار مشفقانه به عمل آورد. و با او به مهربانی و شکفتگی ملاقات کند. و در قضای حوایج او سعی نماید. و در مجامع و محافل، نیکبای او را اظهار نماید. بلکه نسبت به او زیاده از دیگران نیکی و احسان کند تا نفس را گوشمالی داده بینی شیطان را بر خاک مالد. و پیوسته چنین رفتار کند تا آثار عداوت از دل او بر طرف شود.

و ضد این صفت، «نصیحت» است، که عبارت است از: خیر خواهی و نیک پسندی بر دیگران. و آن نیز بر دو قسم است: باطنی و ظاهری

اولی: عبارت از آن است که: به دل، طالب خوبی و خیر مسلمین باشد

دومی: آن است که خیر و صلاح ایشان را به جا آورد

و شرافت این صفت بسیار، و فضیلت آن بی شمار است، همچنان که در بیان صفت حسد مذکور خواهد شد.

مذمت ضرب، فحش، لعن و طعن

بدان که: از آثار و لوازمی که بر حقد و عداوت مترتب می گردد، ضرب و فحش و لعن و طعن است. و بسا باشد که این ها از مجرد غضب نیز صادر گردند. و می شود که به جهت همنشینی او باش و اراذل، و مصاحبت فسّاق و جهّال، و کسانی که هرزه گو و معتاد به فحش دادن هستند، فحش دادن عادت کسی شود که بدون دشمنی و غضبی فحش به زبان او جاری گردد.

و شکی نیست که همه این امور، مذموم است و قبیح، و در شریعت غرّاً، حرام صریح اند. و موجب «حبط» اعمال و موکّد خسران مآل اند. و «ملّین» و حکماء و متشرعه و سایر عقلاء بر خباثت آنها متّفق، و عقل و شرع بر حرمت آنها دو شاهد صادق.

اما ضرب: که عبارت است از: زدن با دست، یا چوب، یا آلتی دیگر. پس بدون جهت شرعی، در حرمت آن شکی نیست. و هیچ طایفه از طوایف بنی آدم، و هیچ فرقه از فرق عالم، بی جهت و سبب: شرعی تجویز زدن کسی را نکرده اند. و در اخبار و آثار، نهی صریح از آن شده و وارد شده است که

هر که مردی را تازیانه زند حق تعالی او را تازیانه ای از آتش خواهد زد». و اما فحش و دشنام و «هرزه زبانی و بدگوئی: منشأ همه این ها خباثت نفس و دنائت طبع است. و هر که زبان او به این ها دراز، البته خبیث النفس و از جمله اراذل و او باش، معدود است. بلکه از بعضی اخبار مستفاد می شود که: رذل مخصوص شخصی است که مضایقه نداشته باشد از اینکه هر چه بگوید و هر چه به او بگویند.

و حضرت پیغمبر - صَلَّی اللّٰه علیہ و آلہ - فرمودند که: «مؤمن نیست کسی که طعنه زن و لعن کن و فحش گوی و هرزه زبان است». و نیز فرمودند که: «بهشت حرام است بر هر فحش دهنده». و در روایت دیگر از آن سرور مروی است که: «هرزه گوئی و پرده‌داری از شعبه‌های نفاق است». و نیز از آن حضرت منقول است که: «چهار نفرند که اهل دوزخ از آنها متأذی‌اند

یکی از آنها مردی خواهد بود که پیوسته چرک از دهان او جاری خواهد بود، و آن کسی است که در دنیا فحش گوی بوده». و نیز از آن جناب مروی است که: «بهشت حرام است بر هر فحّاش هرزه گوی کم‌حیائی که باک نداشته باشد از اینکه هر چه بگوید و از هر چه از برای او بگویند. و چنین شخصی را اگر تفتیش و تفحص کنی و به حقیقت امر او بر خوری یا ولد الزنا است، یا نطفه پدرش با نطفه شیطان ممزوج شده، و این شخص به وجود آمده...». (یعنی در وقت معاشرت و مجامعت پدرش، شیطان نیز در جماع با او شریک شده

و در حدیثی دیگر است که هر گاه بینی مردی را که مضایقه ندارد از اینکه هر چه بگوید و هر چه «در حق او بگویند، بدانید که او ولد الزنا است، یا به شراکت شیطان هم رسیده

. و اما لعن: و معنی آن راندن و دور کردن از خداست. پس شکی در بدی آن نیست

و جایز نیست شرعاً لعن کردن بر کسی مگر کسی که متّصف به صفتی باشد که آن صفت به نصّ شریعت موجب دوری او از خدا باشد و مجوز لعن او باشد. و ذمّ شدید در اخبار در خصوص لعن کردن رسیده

و حضرت امام محمد باقر - علیه السّلام - فرمودند که: «چون لعنت از دهان شخصی بیرون آید میان او و آن شخص که به او لعنت شده تردد می‌کند، اگر آن شخص مستحق لعن باشد به او متعلق

می‌شود و اگر نباشد به صاحبش برمی‌گردد». و از این حدیث مستفاد می‌گردد که: لعن به کسی که سزاوار لعن نباشد، بر می‌گردد به لعن کننده.

پس باید نهایت احتراز را نمود و لعن نکرد کسی را مگر آنانی که از صاحب شریعت مقدسه تجویز لعن ایشان شده. و والد ماجد حقیر - قدس سره - در کتاب «جامع السعادات» فرموده است که: آنچه (در شریعت) تجویز شده، لعن کردن به کافرین و فاسقین و ظالمین است. - همچنان که در قرآن وارد شده است - و شکی در جواز لعن این‌ها بر سبیل عموم نیست، به این نوع که بگوئی: «لعنه الله علی». «الکافرین یا علی الظالمین یا علی الفاسقین».

نفرین به مسلمان

و مخفی نماند که دعای بد و نفرین به مسلمانان کردن نیز مانند لعن کردن است و مذموم است. و خوب نیست حتی بر ظلمه، مگر در صورتی که از شرّ و ضرر او آدمی مضطر و ناچار گردد.

و در حدیث است که: «گاه است مظلوم این قدر نفرین ظالم می‌کند که مکافات ظلم او می‌شود و زیاد می‌آید، و این زیادتى از برای ظالم باقی می‌ماند و روز قیامت مطالبه می‌کند». و اما ضد این، که دعای خیر باشد از برای برادر دینی بهترین طاعات و فاضل‌ترین عبادات است. و فایده آن بی‌حد، و ثواب آن خارج از «حیز عد» است بلکه در حقیقت کسی که دعا به دیگری کند دعا به خود کرده. حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - فرمودند که: «چون کسی در غیاب برادر خود به او دعا کند». «فرشته گوید: از برای تو هم مثل این باشد».

«و فرمودند که: «در حق برادر مستجاب می‌شود دعائی که در حق خود مستجاب نمی‌شود».

عصبانیت و خشم

بعضی از افراد در برخورد با دیگران زود ناراحت شده و عصبانی و گاه دشمن می شوند. این یک نوع بیماری روحی است که با بردباری و عفو و خویشتن داری قابل درمان است. اگر انسان به فضائل اخلاقی بزرگان دین نگاه کند متوجه می شود که آدمی می تواند دریای خوبی ها و نیکی ها و مکارم اخلاق باشد و زندگی و حیات طیبه ای برای خود فراهم نماید.

امام پنجم (ع): کسیکه عصبانیت خود را کنترل کند، در حالیکه قدرت بر اعمال خشونت دارد، روز قیامت خداوند دلش را از اطمینان و ایمان پر نماید.

رسول خدا (ص): «محبت خدا بر آنکه در غضب، خوددار باشد، لازم است»

رسول خدا (ص): «خداوند به کسیکه خشم خود را کنترل کند و نسبت به برادر مسلمانش گذشت داشته باشد، و بردباری پیشه نماید، اجر شهید عنایت می کند.»

«مردی خدمت پیامبر آمد و گفت: مرا نصیحتی بفرما! حضرت فرمود: غضب نکن! باز گفت: مرا توصیه ای بفرمائید! فرمود: غضب نکن! برای بار سوم گفت: مرا نصیحتی بفرمائید! فرمود: غضب منما!

آن شخص خدا حافظی کرد و بنزد قبیله خود مراجعه نمود. ناگاه دید که بر سر مسئله قتل، قبیله او آماده کارزار با قبیله دیگر شده است. او هم غضبناک شده و لباس رزم پوشید! اما بیاد سخن پیامبر افتاد و لباس جنگی را در آورد و بنزد قبیله مقابل رفت و گفت: ای مردم! هر جراحت و قتل بی نشانه ای که در افراد شما باشد، بعهده من است و خونهای آنرا می دهم. آنها گفتند: ما به پرداخت این جریمه سزاوارتریم! سپس بایکدیگر صلح نمودند.»

یکی از مواردی که باعث عصبانیت انسان می شود این است که دیگران او را مسخره کنند. در این موارد می توان با سکوت در مقابل مسخره کننده از کنار آن گذشت. همانند ملاک اشتر فرمانده سپاه

علی ع که وقتی شخصی پوست خربزه ای بطرف او پرتاپ کرد، مالک به مسجد رفت و برای آمرزش آن شخص دعا کرد.

یا اینکه با حاضر جوابی، شخص مسخره کننده را وادار به عقب نشینی نمود. گویند جوان بی ادبی خر ماده ای را نزد عالم ربانی آقا جمال خوانساری آورد و گفت این خر را برای من عقد کنید! آقا جمال با حالتی جدی به او گفت شما در قرآن نخوانده ای که ازدواج با مادر حرام است من چگونه مادرت را برای عقد کنم!

یا به یک نفر روحانی گفتند: مارمولک! او اشاره کرد که بیا نزدیک. وقتی آن جوان نزدیک شد گفت خبرنداری که من قبلا مارمولک بودم ولی الان تمساح شده ام!

یا نقل شده عالمی عبور می کرد از بالای بام بر سرش خاکروبه ریختند. او رو به آسمان کرد و گفت خدایا تورا شکر می گویم که بر سر پر گناهم بجای سنگ، خاکروبه ریختی!

در هر حال انسان باید مسلط بر خودش باشد و در هنگام عصبانیت آنرا کنترل کرده و در آن حال هیچ تصمیمی نگیرد والا دچار پشیمانی خواهد شد! و یا جنایتها مرتکب می شود که دیگر جبران نمی شود. همانگونه که شاه عباس در هنگام عصبانیت دستور قتل فرزندش را صادر کرد! یا آغا محمدخان قاجار دستور کور کردن هزاران کرمانی را داد! یا در زمان خودمان دهها قتل و آدمکشی و چاقو کشی و هفت تیر کشی و اهانت و ضرب و جرح در میان افراد که بر اثر عصبانیت بوجود می آید را شاهدیم. مینا مادر علی کوچولو وقتی دید پسرش چادر نو او را پاره کرده و به دور کمرش بسته آنچنان عصبانی شد که کودکش را زیر مشت و لگد گرفت که ناگاه با بدن بی جان او مواجه شد و او را مرده یافت. اما انسانهای بزرگ چنان بر نفسشان مسلط هستند که نمی گذارند در هنگام عصبانیت، کنترل از دستشان خارج شده و باعث مشکل و ضرر شود.

وقتی خدمتکار امام سجاده داشت بر دست حضرت آب می ریخت ناگاه ظرف آب از دستش رها شد و بر سر امام افتاد و سر حضرت را شکست. امام نگاهی به او کرد. او گفت: والکاظمین الغیظ {آل عمران 134}. یعنی مؤمن خشمش را فرو می خورد. امام فرمود فرو خوردم. گفت: والعاغین عن الناس. یعنی مؤمن اهل عفو و گذشت است. امام فرمود از تو گذشتم. گفت: والله یحب المحسنین. یعنی خدا نیکوکاران را دوست دارد. امام فرمود تورا آزاد کردم.

رابطه پر خاشگری با رشد شخصیتی نوجوان

یکی از آثار رشد نوجوانان، ظاهر شدن پر خاشگری در رفتار بعضی از آنها در خانواده و مدرسه و جاهای دیگر است.

از علت های پر خاشگری، می توان به به تحقیر نوجوان در مقابل دیگران اشاره کرد. او که هر چه بزرگتر می شود به مسئله نیاز به احترام گذاشتن و داشتن شخصیت پی می برد وقتی با بی احترامی به خود مواجه می شود گاه به پر خاشگری و عصبانیت های بی جا و دعوا با اعضای خانواده یا هم کلاسی های خود بر سر مسائل کوچک روی میآورد. لذا اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند نوجوانان و جوانان، شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان، مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص است. می خواهد هر چه زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به گروه بزرگسالان بپیوندد و مانند آنان مستقل باشد. او خواسته خود را بر زبان نمی آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود، دست نیابد، سرکشی و طغیان می کند، به کارهای غیر عادی دست می زند، بد رفتار و تندخو می شود و با زبان حال می گوید:

به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد بشناسید! با من همانند یک فرد بزرگ برخورد کنید!

در سخن پیامبرص است که فرمود: «فرزند، هفت سال آقا است. هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است».

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می کند! زیرا فکرش نارسا و جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیده رأفت به او نظر کنند و ناچارند که خواسته های او را برآورده سازند. در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه ای در تن و روان کودک پدید می آید. جسمش قوی می شود و درکش رشد می کند. تاندازه ای خوبیها و بدیها را می فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگار قرار می گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و او باید فرمان والدین را اطاعت کند.

اما در هفت سال سوم نشانه‌های جوانی و بزرگسالی در او پدید می‌آید. لذا احساس مسئولیت می‌کند و در تدبیر زندگی همکار والدین می‌باشد.

از بکار بردن کلمه وزیر چند نکته را می‌فهمیم:

الف - جوان تشخص طلب و استقلال جواست.

ب - نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده

داده شود. البته استقلال دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به

میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره

در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار را نمی‌بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و

خوبیها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار

صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم‌نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به

بار می‌آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته‌کننده والدین، نیروی مقاوت خود

را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می‌شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می‌شود ولی استعدادهای

خود را از دست می‌دهد و یک انسان نالایق بار می‌آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری‌ها می‌ایستد که در نتیجه باعث اختلاف در خانواده می‌شود. عریده‌ها و

فریادهای، تندی و خشونت، اشک و زاری، هیجان و ناراحتی برنامه عادی چنین خانه‌هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقده خود کم‌بینی، خشن و تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل

بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند، دشنام می‌دهند. گاهی بچه‌ها را کتک می‌زنند! و گاهی در محیط

منزل ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم‌پوشی

نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همه اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند

شود، طوفان بپا می‌کند! ولی اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد!

کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی‌مورد والدین، خشمگین و عصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومند خود عکس‌العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقده حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کاربه آنجا می‌کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دو طرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش چشم‌پوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

جنون جوانی

باتوجه به اینکه هر انسان سالمی دارای دو نیروی عظیم عقل و احساس است، در جوانان معمولاً احساسات در کمال قدرت و نیرو، و عقل در حال ضعف و ناتوانی است (بغیر از موارد استثنائی) لذا می‌بینی تصمیمات و کارهایشان گاهی نامعقول و نپخته است و مخصوصاً در حال عصبانیت کارهای ناروا و اعمال خطرناک انجام می‌دهند. جوان سعادت‌مند کسی است که باتوجه به ضعف عقل جوانی، خود را بشناسد و در کارهای مهم از نصیحت افراد عاقل و خیرخواه پیروی نماید و از برنامه‌های صحیح تربیتی و دینی تبعیت کند.

یکی از بیماریهای روانی که در کمین بعضی از جوانان است، بیماری جنون جوانی است! این بیماری به چند صورت بروز می‌کند که یک قسم آن اختلالات روانی و بی‌نظمی‌های فکری است، که کم و بیش تمام جوانان نوحاسته گرفتار آن هستند و این بیماری همان جنون خودنمائی و تخیلات افسانه‌ایست. در این بیماری، شخص اسیر توهمات واهی خود می‌گردد، از واقعیت‌های زندگی غافل می‌شود و مانند دیوانگان به اوهام و تخیلات پناه می‌برد! و همواره در خواب و خیال سیر می‌کند و زندگی را از پشت عینک افکار بیهوده و

غیر واقعی می‌بیند. او از عقل و منطق گریزان است و عاشق اوهام و افسانه‌های ناشدنی! او گاهی تحت تأثیر این اوهام به جرم و جنایت دست می‌زند و کارهای وحشتناک و خشن و اعمال جنون آمیز از او صادر می‌شود. مانند آن دوجوان هامبورگی که برای رسیدن به پایه «جیمس دین»، با طناب باریکی خود را از طبقه چهارم ساختمانی به پائین پرت کردند!

تخیلات غیر عقلانی و تصورات ناسنجیده جوانان، گاه آنچنان آنان را مسرور و خوشحال می‌کند که از خوشحالی در پوست نمی‌گنجند و بی‌اختیار قهقهه می‌زنند. و گاهی چنان غم‌زده و مهمومشان می‌سازد که از اجتماع گریزان شده و به گوشه‌گیری و انزوا پناهنده می‌شوند. این اختلالات در کلمات بزرگان دین آمده و پیامبر اکرم (ص) آن را جنون جوانی و امیر مؤمنان علی (ع) آن را مستی جوانی تعبیر فرموده است.

جوانان در سال اول و دوم بعد از بلوغ، دچار آشفتگی روحی و ناموزونی‌های شدید روانی هستند تا جایی که در پاره‌ای از بی‌نظمی‌ها رنگ جنون بخود می‌گیرد! اما هر چه قدر از عمر جوانی بیشتر می‌گذرد و فاصله جوان از دوره بحران بلوغ، افزایش می‌یابد، طوفان احساسات به همان نسبت فروکش می‌کند و بی‌نظمی‌های روانی تقلیل می‌یابد و جوان از نظر عقلی، پخته می‌شود و اخلاقش عادی می‌گردد. البته این تغییرات در افراد مختلف است. زیرا افراد فقیر و دارای زندگانی سخت، در حدود 18 سالگی به مرحله پختگی می‌رسند ولی افراد ثروتمند و مرفه، در 22 یا 23 سالگی هنوز مرد نشده‌اند!

منبع: گفتار فلسفی «محمد تقی فلسفی».

شرکت در مجالس لهو و لعب

افرادی که در مجالس مختلف جوانان و پارتی ها شرکت می کنند باید مواظب باشند که عمرشان بیخود هدر نرود یا این جلسات به آلودگی ختم نگردد. لذا اسلام اجازه شرکت در مجالسی که در آن لهو و لعب و کارهای خلاف مانند قماربازی و شرط بندی و دیدن فیلمهای خلاف یا تعریف کارهای زشت است و باصطلاح اجازه شرکت در پارتی های مختلط را نمی دهد.

پاسخ آیه الله مکارم شیرازی مدّ ظلّه به سوال های زیر

سوال: شرکت در عروسی یا مجالس دیگر که انسان می داند در آن رعایت شئون اسلامی نمی شود (از قبیل اختلاط زن و مرد، رقص و پایکوبی، استفاده از نوارهای موسیقی و مانند آن) چه حکمی دارد؟

جواب: شرکت در مجالس حرام گناه است

پاسخ تعدادی از فقها به سوال هایی درباره مجالس آلوده به گناه

سوال: شرکت در مجالس جشن و عروسی که در آن برنامه های موسیقی اجرا می شود چگونه است؟
پاسخ آیات عظام

خامنه ای: شرکت در این گونه مجالس در صورتی که تایید و یا تشویق گناه کار باشد، حرام است

فاضل لنکرانی: شرکت در مجالس لهو و لعب جایز نیست

صافی گلپایگانی: جایز نیست

بهجت: اگر موسیقی مطرب است، شرکت جایز نیست

مکارم شیرازی: شرکت در مجلس گناه جایز نیست

• تبریزی: گوش دادن به موسیقی لاهی ولو در مجالس عروسی جایز نیست
 • سیستانی: اگر موسیقی مناسب مجالس لاهی و عیاشی است شرکت کردن جایز نیست

بازداشت 80 دختر و پسر در پارتی شبانه

17 اردیبهشت 1389 ساعت 18:54

دادستان تهران از بازداشت 80 دختر و پسر در پارتی شبانه در ویلایی در حومه تهران خبر داد و گفت: افرادی که اقدام به فروش بلیت برای شرکت در این مراسم می کردند، نیز بازداشت شدند.

دکتر عباس جعفری دولت آبادی در گفت و گو با ایسنا، با اعلام این خبر، اظهار کرد: شب گذشته پلیس امنیت اخلاقی ناجا با کسب اطلاعات مردمی متوجه شد، گروهی به صورت مخفیانه و حرفه ای بلیت هایی را با قیمت 30 تا 35 هزار تومان برای شرکت در مراسم موسیقی زنده به فروش می رسانند؛ پلیس با حکم قضایی وارد محل برگزاری این کنسرت غیرقانونی می شود و در پی آن 80 دختر و پسر با لباس نامناسب و در حالت غیرعادی را بازداشت می کنند.

دادستان تهران افزود: پرونده این 80 دختر و پسر به اتهام شرکت در مجالس لهو و لعب و پنج نفر از فروشندگان بلیت این موسیقی زنده، به دادسرای ارشاد تهران ارجاع شده است.

وی با بیان این که این پنج نفر برگزار کننده موسیقی زنده برای هر اجرا، شبی 50 میلیون ریال دریافت می کردند، گفت: افرادی که برای اولین بار در زمینه تشکیل مجالس مبتذل و ضداخلاقی بلیت می فروختند جوانان را در محلی جمع و سپس با هماهنگی آنها را به محل برگزاری این پارتی شبانه منتقل می کردند.

دادستان تهران به افرادی که املاک خود را برای مجلس لهو و لعب اجاره یا در اختیار این گونه افراد قرار می دهند، هشدار داد: اگر افراد عامدانه دست به این اقدام بزنند نسبت به ضبط املاک آنها به نفع دولت اقدام خواهد شد.

وی گفت: اکثر افراد بازداشت شده در این پارتی شبانه در حالت غیرعادی بودند و مقادیری مشروبات دست ساز و خارجی از این محل کشف شده است.

وی به خانواده‌ها توصیه کرد که برای شرکت در مراسم‌ها صرفاً بلیت را از مراکز مجاز و مورد تایید

مراجع دولتی تهیه کنند تا فرزندانشان با مشکلات مشابه مواجه نشوند

شرابخواری و میگساری

شرابخواری

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»⁽¹⁾

از تو در مورد شراب و قمار می پرسند بگو که گناه بزرگی در استفاده از این دو است اگرچه منافع هم دارد ولی بدی آن از نفعش بیشتر است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ⁽²⁾ «90»

ای مؤمنین! شراب و قمار و چوبهای قمار و امثال آن پلید و جزو کارهای شیطانی است لذا از آنها دوری کنید شاید رستگار شوید.

شراب مایعی است مست کننده که نه تنها دردین اسلام بلکه در همه ادیان و بلکه از دید همه اطباء مضر و ضرر آور تشخیص داده شده است.

بزرگترین ضرر شراب مختل کردن عقل آدمی است. عقلی که شرافت انسان و برتری او بر سایر موجودات وابسته به آن است.

یکی از دانشمندان گفته است که حتی مصرف کم الکل می تواند ضایعات مغزی بسیاری را سبب شود. و وقتی انسان از نوشیدن مقدار کمی الکل، احساس لذت و شادمانی می کند نمی داند که به نابودی سلولهای مغزی خود کمک کرده است.

آثار زیانبار شراب در جوامع مختلف قابل انکار نیست. به بعضی از این آثار اشاره می شود:

شراب را می‌توان ریشه بسیاری از مفاسد غرب دانست که بحمدالله در کشور ما بخاطر رعایت مسائل مذهبی، شرابخواری در حد بسیار ضعیف و اندکی است.

اما در تاریخ می‌توان به مواردی اشاره کرد که شرابخواری باعث

1- بقره 219

2- مائده 90

نابودی و جنایات وقتل شده است. وقتی هارون، خلیفه عباسی، خواهرش عباسه را به عقد جعفر برمکی وزیر مقتدر خود درآورد او را از هرگونه تماس جنسی منع نمود و جعفر هم اطاعت کرد ولی عباسه نتوانست برهوس خود غلبه کند و ترتیبی داد تا جعفر با نوشیدن شراب مست شود. آنگاه با او عمل جنسی انجام داد. وقتی بعد از مدتها خبر به هارون رسید، دستور کشتن جعفر برمکی و کندن ریشه برامکه در دستگاه خلافت خود را صادر نمود. و به این ترتیب ریشه برمکی‌ها از قدرت و خلافت کنده شد.

و یا وقتی مغولها به ایران حمله کردند، پادشاه ایران جلال الدین خوارزمشاه بدلیل مستی نتوانست تصمیم درستی برای دفاع از کشور

بگیرد لذا کشور ایران به اشغال مغولها درآمد و تمدن اسلامی دچار آفت مخربی گردید.

در زمان امیر کبیر که می‌رفت کشور ما از تاریکی و گمراهی بدرآید و از عقب ماندگی نجات یابد، بدخواهان حکم قتل امیر کبیر را از ناصرالدین شاه در حال مستی گرفتند و اجرا نمودند. و باعث شدند که امید نجات ایران برباد رود.

در تاریخ ذکر شده که افرادی بوده اند که بر اثر مستی با محارم خود مثل خواهر خود زنا کرده‌اند.

ابلیس شبی رفت به بالین جوانی	آراسته با شکل مهیبی سر و بر را
گفتا که منم مرگ و اگر خواهی زنهار	باید بگزینی تویکی زین سه خطر را
یا آن پدر پیر خودت را بکشی زار	یا بشکنی از خواهر خود، سینه و سر را
لرزید از این بیم جوان برخود و جادشت	کز مرگ فتد لرزه به تن ضیغم نر را
یا خود زمی ناب کشی یک دو سه ساغر	تا آنکه بپوشم ز هلاک تونظر را
گفتا پدر و خواهر من هر دو عزیزند	هر گز نکنم ترکِ ادب این دونفر را
لکن چوبه می‌دفع شر از خویش توان کرد	می‌نوشم و باوی بکنم چاره شر را
جامی دو بنوشید و چو شد خیره ز مستی	هم خواهر خود را زد و هم کشت پدر را
ای کاش شود خشک بن تاک و خداوند	زین مایه شر حفظ کند نوع بشر را

«ایرج میرزا»

دانشمندان تنها آثار زیانبار شرابخواری را گریبانگیر شرابخوار نمی‌دانند بلکه به نسلهای بعدی هم این آثار سرایت می‌کند.

دبیر کل سازمان بین المللی مبارزه باالکل گفت که هشتاد درصد دیوانگان وچهل درصد بیماران آمیزشی در نتیجه اعتیاد به الکل بوده است. و دکتري در آلمان گفته است که درب میکده هارا ببندید تا من درب نیمی از بیمارستانها و دیوانه خانه هارا ببندم.

که بز ماده را پری خوانی

می چنانت کند به نادانی

توزمستان طمع چه می داری؟

مست نادم شود به هشیاری

جایگاه شرابخوار در روایت:

امام صادق (ع) فرمود: هر که شراب بخورد روح ایمان از او خارج می گردد.⁽¹⁾

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ بَعْدَ مَا حَرَّمَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى لِسَانِي فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُزَوَّجَ إِذَا خَطَبَ وَلَا يُشَفَّعَ إِذَا شَفَّعَ وَلَا يُصَدَّقَ إِذَا حَدَّثَ وَلَا يُؤْتَمَنَ عَلَى أَمَانَةٍ⁽²⁾

پیامبر خدا ص فرمود: بعد از اینکه خداوند شراب را حرام کرد، اگر کسی شراب بخورد نباید به او زن بدهید. شفاعتش را قبول نکنید. سخنش را تصدیق نکنید. او را امین در امانتهای خود قرار ندهید.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: يُؤْتَى شَارِبُ الْخَمْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًّا وَجْهُهُ مُدْلَعًا لِسَانُهُ يَسِيلُ لُعَابُهُ عَلَى صَدْرِهِ⁽³⁾

امام باقر ع فرمود: روز قیامت شارب خمر با صورتی سیاه و درحالی که زبانش بیرون افتاده و آب دهانش بر سینه اش سرازیر است محشور می گردد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يُعَادُ إِذَا مَرِضَ وَلَا يُشْهَدُ لَهُ

1- کافی 276/2

2- الکافی ج : 6 ص : 396

3- الکافی ج : 6 ص : 396

جَنَازَةٌ وَلَا تُرْكُوهُ إِذَا شَهِدَ⁽¹⁾

پیامبر خدا ص فرمود: اگر شرابخوار مریض شد به عیادتش نروید. اگر مرد در تشییعش حاضر نشوید. شهادتش را قبول نکنید.

لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْخَمْرَ وَ عَاصِرَهَا وَ مُعْتَصِرَهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ سَاقِيَهَا وَ آكِلَ ثَمَنِهَا وَ شَارِبَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ⁽²⁾

پیامبر اسلام (ص) در رابطه با نوشیدن شراب، ده دسته را لعن فرمود: کسیکه درخت آن را می‌نشاند، آنکه درخت را آبیاری می‌کند، کسیکه آب آنرا می‌گیرد و شراب می‌سازد، کسیکه شراب را می‌نوشد، ساقی شراب، آورنده شراب، کسیکه شراب بسویش آورده می‌شود، خریدار شراب، مصرف کننده پول شراب و کسانی که در خوردن و فشردن انگور شراب و فروختن و خریدن و حمل آن دست دارند و کسیکه از پول فروش آن استفاده می‌کند، همه در گناه شریکند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ شَرِبَ النَّبِيذَ عَلَى أَنَّهُ حَلَالٌ خُلِدَ فِي النَّارِ وَمَنْ شَرِبَهُ عَلَى أَنَّهُ حَرَامٌ عَذَّبَ فِي النَّارِ⁽³⁾

امام صادق (ع) فرمود: هر که شراب را به عنوان اینکه حلال است بخورد در جهنم ابدی می‌ماند و هر که به عنوان اینکه حرام است بخورد در جهنم عذاب می‌شود.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: يَا يُونُسَ بْنَ ظَبْيَانَ أَبْلِغْ عَطِيَّةَ عَنِّي أَنَّهُ مَنْ شَرِبَ جُرْعَةً مِنْ خَمْرٍ لَعَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فَإِنْ شَرِبَهَا حَتَّى يَسْكُرَ مِنْهَا نُزِعَ رُوحُ الْإِيمَانِ مِنْ جَسَدِهِ...⁽⁴⁾

امام صادق (ع) فرمود: هر که یک جرعه شراب بنوشد خداوند عز و جل و ملائکه و پیامبران و مؤمنین همه لعنش کنند و اگر آنقدر بخورد که مست کند روح ایمان از بدنش خارج می گردد.

همچنین امام صادق (ع) فرمود: شرابخواران، تشنه می میرند و تشنه محشور می شوند و تشنه وارد جهنم می شوند.⁽⁵⁾

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ وَ لَا يَرُدُّ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَ اللَّهِ لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ وَ لَا

1-الكافي ج : 6 ص : 396

2-الكافي ج : 6 ص : 398

3-الكافي ج : 6 ص : 398

4-الكافي ج : 6 ص : 399

5-الكافي ج : 6 ص : 400

يَرُدُّ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَ اللَّهِ⁽¹⁾

پیامبر خدا ص فرمود: کسی که نمازش را سبک بشمارد شفاعتم به او نمی‌رسد و در حوض کوثر بر من وارد نمی‌شود. به خدا قسم! شفاعتم به شرابخوار نمی‌رسد و بر من در کنار حوض کوثر وارد نمی‌شود والله.

عَنْ أَبِي صَادِقٍ (ع) قَالَ: مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا أَنْجَبَتْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَإِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ⁽²⁾

امام صادق (ع) فرمود: هر که شراب بخورد نمازش تا چهل روز بالا نمی‌رود و اگر در این چهل روز بمیرد، با جاهلیت مرده است. ولی اگر توبه کند، خداوند توبه‌اش را قبول می‌نماید.

امام صادق (ع) فرمود: کسیکه عمرش را در شرابخواری فنا کند مانند بت پرستان است و کسی که از ترس خدا از شرابخواری دست بردارد خداوند او را بهشت برده و از شراب بهشتی سیراب نماید.⁽³⁾

عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ ابْتَدَأَنِي أَبُو صَادِقٍ (ع) يَوْمًا مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ قَالَ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ كُلُّهُ حَرَامٌ فَقَالَ نَعَمْ الْجُرْعَةُ مِنْهُ حَرَامٌ⁽⁴⁾

فضیل بن یسار می‌گوید روزی امام صادق (ع) بدون مقدمه به من فرمود: رسول خدا ص فرمود هر مست کننده‌ای (شرابی) حرام است. پرسیدم همه جورش یا هر مقدارش حرام است؟ فرمود حتی یک جرعه ان هم حرام است.

«وقتی متوکل دستور داد امام هادی (ع) را به مجلس شراب او بیاورند و به امام ابتدا اصرار بر خوردن شراب نمود و چون امتناع امام را دید تکلیف بر شعر گفتن نمود، امام اشعاری را خواندند که وضع مجلس را عو.ض کرد و اشک به چشمان نحس متوکل آمد و دستور داد امام را با احترام برگردانند. ابیات امام بشرح زیر است:

1-الكافی ج : 6 ص : 400

2-الكافی ج : 6 ص : 400

3-الكافی ج : 6 ص : 404

4-الكافی ج : 6 ص : 411

باتوا على قتل الاجبال تحرسهم غلب الرجال فلم تنفعهم القلل

واستزلوا بعد عزٍ من معاقلهم واسكنوا حُفراً يا بئس ما نُزلوا

ناداهم صارخٌ من بعد دفنهم اين الاساور والتيجان والحُلل

اين الوجوه اللتي كانت منعمه من دونها تضرب الاستار والكُلل

فافصح القبر عنهم حين سائلهم تلك الوجوه عليها الدود تنتقل

قد طال ما اكلوا دهداً و قد شربوا واصبحوا اليوم من بعد الاكل قد اُكلوا⁽¹⁾

«ستمگران در قله های برفراز کوه با نگهبانانی نیرومند بسر می بردند. ولی با آمدن مرک این کوه ها سودی برای آنان نداشت.

بعد از عزتی که داشتند باغ مردنشان، به سوراخهایی افتادند چه بد فرود آمدنی بود؟

وقتی آنها را داخل قبر گذاشتند، صدائی آمد که : کجاست آن تخت ها و تاج ها و لباسها؟

کجا هستند آن صورتهایی که غرق در نعمت بودند. و همیشه زیر پرده ها و پشه بندها قرار داشتند؟

ناگاه قبر با زبان فصیح از طرف این مرده ها جواب داد: کرمها بر این صورتهای می غلطند!

یک عمر طولانی خوردند و آشامیدند. حالا خودشان توسط کرمها خورده می شوند.»

ملاقات دبیر کل با آیه الله بروجردی

نقل می کنند که دبیر کل بین المللی مبارزه با الکل با آیه الله العظمی بروجردی ملاقات کرد و علت حرمت شراب در اسلام را از ایشان پرسید. آقا فرمودند زیرا شرافت انسان به عقلش است و شراب عقل را تعطیل می کند و مختل می نماید.

دبیر کل خیلی از این جمله خوشش آمد و گفت من با رؤسای مذاهب زیادی ملاقات کرده و این سوال را کرده ام ولی هیچکدام این چنین

1- منتهی الامال-ستارگان درخشان

کامل به من جواب نداده اند.⁽¹⁾

ملعون است کسی که...

در روایت است که آقا رسول الله فرمود ملعون است کسی که سر سفره ای بنشیند که در آن شراب باشد.⁽²⁾

و در سخن دیگری فرمود کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد نباید سر سفره ای که در آن شراب نوشیده می شود بنشیند.⁽³⁾

بعضی از افراد شراب را برای معالجه می‌خورند در حالی که آقا امام صادق (ع) فرمود خداوند شفای هیچ مرضی را در شراب قرار نداده است.⁽⁴⁾

1-داستانهایی از زندگی علماء

2-وسائل الشیعه

3-مسالك شهيد ثانی باب اطعمه واشربه

4-فروع کافی کتاب الاشربه باب من اضطر الى خمر

استفاده از مواد مخدر



از عوامل انحراف و موانع زندگی سالم، اعتیاد به انواع مواد مخدر است. در زمان کنونی به دلایل مختلف از جمله همسایگی با کشورهایمانند افغانستان و پاکستان، پل ارتباطی بودن ایران برای صادرات مواد مخدر به دنیا، کشور ما را دچار این مرض

سخت و خطرناک و این مشکل و معضل بزرگ نموده است. شاید بیش از دو میلیون نفر از هموطنان ما یابه صورت اعتیاد و یا تفریحی و تفنّنی از مواد مخدر استفاده می نمایند. چه جوانانی که در راه استفاده و یا قاچاق مواد مخدر جان خود را ازدست داده اند. و چه جوانانی که بخاطر اعتیاد به انواع گناهان و تخلفات آلوده شده و از سرقت گرفته تا قتل و تجاوز و غیره را مرتکب می شوند. و در صد بالایی از زندانیان کشورمان مربوط به مواد مخدر است.

اعتیاد پلّه ای است که با آن، انجام بسیاری از خلافها و ناهنجاریها، شدنی شده است
آیا معتاد مجرم است یا بیمار؟

جرم معتاد این است که مقدمات اعتیاد را برای خود فراهم ساخته است. ولی وقتی اعتیاد آمد، دیگر فرد معتاد مجرم نیست. زیرا کشش و عادت به مواد چنان در روح و جسم او وجود دارد که نمی تواند به آسانی دست از اعتیاد بردارد. بنابر این باید گفت که فرد معتاد، بیماری است که خود در بیمار شدنش نقش داشته است. اگر این معنی و مفهوم در بین مردم و مسئولین کشور ما جا بیفتد، شاید بتوان با تدابیری این بیماران را درمان نمود و از سرایت این مرض به بقیه جلوگیری کرد. البته بعضی از معتادان مجرمین خطرناکی هستند که درعین بیماربودن، مجرم هم هستند و باید با آنها برخورد شود.

مخبر کمیسیون اجتماعی مجلس هفتم گفت: زنگ خطر رشد اعتیاد در بین زنان و دختران ایرانی زده شده است و مسوولان بیش از این در چاره اندیشی اساسی تعلل

نکنند.

محمدعلی مقنیان در گفت و گو با خبرنگار "ایلنا" افزود: البته در مواردی شاهدیم که برخی مسوولان و کارشناسان مبادرت به اعلام آمارهای اغراق آمیز در مورد رشد اعتیاد در کشور می کنند که فقط به ایجاد جوی متشنج در جامعه دامن می زنند. وی افزود: البته با توجه به نرخ رشد کنونی اعتیاد در بین زنان و شرایط حاکم بر جامعه در صورت ادامه این روند، پیش بینی ها آینده ای نگران کننده را نشان می دهد.

نماینده بیجار در مجلس هفتم با تاکید بر رشد روزافزون اعتیاد و مصرف دخانیات در بین زنان ایرانی گفت: البته به همین موازات مردان نیز در زمینه مصرف مواد مخدر رشد داشته اند لذا مبارزه با پدیده شوم اعتیاد، نیازمند عزمی ملی است. وی افزود: در بسیاری موارد خانواده هایی که در آن فرد معتاد وجود دارد، معمولاً فرزندان تحت حمایت مادران از آلودگی محفوظ می مانند ولی در صورت آلوده شدن زنان، فرزندان و نسل های آتی کشور دیگر پناهی برای آلوده نشدن ندارند.

مقنیان افزود: اگر امروز نتوانیم میزان رشد اعتیاد و مصرف دخانیات را در جامعه به ویژه زنان کنترل کنیم، قطعاً در آینده با چالشی جدی مواجه می شویم و این مساله به امری غیر قابل کنترل بدل خواهد شد.

وی بیکاری و فقر را مهمترین علت گرایش افراد به مواد مخدر دانست و گفت: البته در وهله اول برای کسب درآمد به فروش مواد مخدر سوق یافته و پس از مدتی کم کم به این مواد آلوده می شوند.

دکتر علی هاشمی دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر و مشاور رئیس جمهور ایران، روز پنجشنبه 26 ژوئن و به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی مبارزه با مواد مخدر گفت افغانستان بزرگترین تولید کننده مواد مخدر در جهان است و ایران به دلیل داشتن مرزهای مشترک با این کشور، بیشتر در معرض ورود مواد مخدر است.

آقای هاشمی پیشتر نیز در مصاحبه ای با خبرنگاران گفته بود: "به خاطر وجود 44 میلیون جوان زیر 30 سال در کشور، شیوع مصرف مواد مخدر می تواند به بحرانی علیه امنیت ملی تبدیل شود."

وی افزود: "این اقشار (جوانان) در معرض خطر اعتیاد قرار دارند و باید با حل مشکلات و پر کردن اوقات فراغت آنان، گام اساسی در راستای حفظ این فرزندان از خطر افتادن در دام مواد مخدر برداشت."

به گفته آقای هاشمی، 2 میلیون نفر در ایران به طور رسمی یا تفرنی به مواد مخدر اعتیاد دارند که در این میان 280 تا 300 هزار نفر معتادان هروینی با رفتارهای پر خطر هستند. منظور از معتادان با رفتارهای پر خطر، احتمالاً آن دسته از معتادانی است که برای دست یافتن به ماده مخدر حاضر هستند دست به هر اقدامی بزنند.

نگرانی درباره افزایش شمار معتادان در ایران در حالی روبه افزایش است که به گفته آقای هاشمی، در کنار نهادهای دولتی و نیروی انتظامی و حتی ارتش و سپاه پاسداران که در مبارزه با قاچاق مواد مخدر نقش دارند، 10 هزار تشکیلات غیر دولتی نیز در این زمینه فعالند.

عمده ترین ماده مخدر مورد مصرف در ایران تریاک و مشتقات آن مانند هروئین است که تماما از کشور همسایه، افغانستان وارد خاک ایران شده و پس از تغذیه معتادان ایرانی، باقی مانده آن راهی اروپا یا سایر کشورهای منطقه می شود.

البته تریاک تنها ماده مخدری نیست که در بازار فراخ ایران در دسترس علاقمندان قرار دارد. مواد مخدر توهّم زا مثل حشیش، گراس و مواد شیمیایی مانند قرص های اکستازی که در خانواده مواد مخدر توان افزا و یا روان گردان قرار می گیرد هم هست که طبق گزارش ها، به وفور یافت می شود.

منبع تامین مواد مخدر توهّم زا مثل حشیش و گراس هم عمدتا همان همسایه شرقی، یعنی افغانستان است اما مواد شیمیایی و قرص های روان گردان سایر کشورها است و گفته می شود مواد اولیه آنها در برخی کشورهای اروپایی یا اروپای شرقی تولید و به ایران و سایر کشورهای منطقه می رسد. البته از قرار معلوم تولید خانگی این مواد در ایران نیز آغاز شده است.

سردار مرتضی طلایی، فرمانده نیروی انتظامی تهران، در این زمینه به ایرنا، خبرگزاری جمهوری اسلامی گفته است: "در زمان حاضر، مواد شیمیایی اکستازی، خطرناکترین مواد مخدر رایج است."

معضل اعتیاد جوانان به مواد مخدر است."

وی گفت: "در سال های اخیر این مواد (قرص های شیمیایی) به سرعت جایگزین تریاک و مواد توهّم زا شده است."

فرمانده نیروی انتظامی تهران گفته است "دسترسی آسان، هزینه پایین و امکان تولید خانگی، مهمترین عوامل افزایش مصرف مواد مخدر شیمیایی است."

وی به خانواده ها هشدار داده که فرزندان خود را کنترل کنند و در صورت مشاهده تغییر رفتار آنها، به مقابله با خطر اعتیاد فرزندان برخیزند.

سردار طلایی، افت تحصیلی، کاهش شدید وزن، درگیری پیاپی با خانواده، معاشرت با گروههای بزرگتر از خود و قانون گریزی را جزو نشانه های اعتیاد جوانان ذکر کرد.

البته از قرار معلوم، در میان مقام های جمهوری اسلامی دیدگاه مشترکی نسبت به نوع مواد مخدر مصرفی میان جوان های معتاد وجود ندارد.

در حالی که فرمانده نیروی انتظامی تهران از شیوع گسترده قرص های اکستازی میان جوانان ابراز نگرانی کرده، علی هاشمی دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر در خصوص میزان شیوع مصرف مواد شیمیایی گفته است "نباید با نشر اخبار غیرواقع جامعه را دچار وحشت کرد."

آقای هاشمی گفت: "ستاد مبارزه با مواد مخدر از حدود شش ماه قبل و به دنبال دریافت اخبار ضد و نقیض، دستگاه های مسئول از جمله نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات را مامور پیگیری مساله مواد مخدر شیمیایی کرد که در نهایت مشخص شد این مواد به ندرت و فقط در پارتی های بعضی نقاط جامعه مصرف می شود."

ناظران می گویند نه اقدام های قهری نیروهای مسلح و نه برنامه های فرهنگی اجتماعی نهادهای تبلیغاتی در ایران نتوانسته از گرایش مردم به انواع مواد مخدر جلوگیری کند و اکنون مقام های مسئول سخن از کاهش سن اعتیاد در ایران سخن می گویند.

حتی برخی مقام های ایرانی از مدت ها قبل لزوم "حرام" اعلام شدن مواد مخدر

توسط علمای مذهبی را مطرح کرده اند تا شاید از این طریق گرایش به مواد مخدر را محدود کنند اما هنوز چنین حکم مذهبی صادر نشده است.

در تازه ترین مورد، دکتر انصاری لاری استاندار فارس در مراسم گرامیداشت مامورانی که در راه مبارزه با مواد مخدر در استان فارس جان خود را از دست داده اند، بار دیگر تحریم شرعی مواد مخدر از سوی مراجع را خواستار شد.

آقای انصاری لاری گفت: "در کنار منع قانونی مواد مخدر، تحریم شرعی آن یک ضرورت است و لذا اتخاذ چنین سیاستی در پیشگیری از مصرف مواد مخدر بسیار تاثیرگذار خواهد بود."

درصد اعتیاد در سنین پایین در ایران

نتایج یک تحقیق نشان می دهد که درصد اعتیاد در سنین پایین در ایران رو به افزایش است

این تحقیق توسط دکتر «عبدالرضا عزیزی» پزشک و درمانگر اعتیاد، از بررسی شرح حال دوهزار فرد معتاد منتج شده و در آن رویکرد به اعتیاد، به عنوان یک بیماری که مستلزم درمان است، معرفی شده است.

محقق در این پژوهش متوسط سن شروع اعتیاد را ۲۴ سال ذکر کرده و افزوده است: از این افراد بیش از ۵۱ درصد بین ۲۰ تا ۴۰ سال و ۴۵ درصد زیر ۲۰ سال سن داشته اند.

به اعتقاد وی مهم ترین عامل اعتیاد به مواد مخدر در ایران و به ویژه در بین جوانان، ریشه در اعتقادات و فرهنگ مردم دارد که معضلات اقتصادی، بیکاری و نبود امنیت شغلی آن را تشدید می کند.

در این تحقیق همچنین به نقش خانواده به عنوان اصلی ترین مراکز کنترل رفتار فردی اشاره شده که گاهی با آسیب پذیر شدن خود، عاملی برای گرایش جوانان به اعتیاد می شود.

محقق معتقد است این محیط در ایران طی چند سال اخیر به علت اختلال در روابط والدین با فرزندان از جمله به سبب گرفتاری پدر، مادر و یا اعتیاد آنها، متزلزل و ثبات آن با چالش روبه رو شده است.

دسترسی آسان به مواد مخدر در ایران (به خاطر همجواری با افغانستان و در مسیر قاچاق بودن)، عدم یک برنامه مدون و پایدار برای پیشگیری از اعتیاد، کمبود امکانات تفریحی، ورزشی و سرکوب برخی از خواسته های طبیعی جوانان از جمله علل ذکر شده برای گرایش آنان به استعمال مواد مخدر است. طبق نتایج این پژوهش، دوستان و محیط نامناسب عامل روی آوری ۶۰ درصد افراد به مواد مخدر است و این عامل خود در بازگشت به اعتیاد همچنان پررنگ ترین عامل محسوب می شود.

در این پژوهش ۱۷ درصد معتادان درمان بیماری های بعضاً پیش پا افتاده مانند سرماخوردگی، دردهای مفصلی، دردهای عصبی و آرتروز را عامل استفاده از مواد مخدر ذکر کرده اند، که به اعتقاد محقق این نشانگر میزان تاثیر باورها و ضعف فرهنگی در خصوص مراجعه و اعتماد به پزشک است.

همچنین بسیاری به این علت که در هنگام ترک اعتیاد اذیت شده اند، به مصرف مجدد روی آورده اند که این می تواند نتیجه خوددرمانی و یا عدم درمان صحیح از سوی درمانگر باشد.

در این پژوهش درخصوص نوع مواد مصرفی و میزان آن توسط معتادان آمده است: سیگار، اولین ماده مصرفی در ۱۹/۷۳ درصد افراد است و این معتادان قبل از اعتیاد به

مواد مخدر، سیگار مصرف می کرده اند.

همچنین در این تحقیق به بالا بودن مصرف «تریاک» در کشور اشاره شده است: نوع مصرف در ۳۴/۶۷ درصد بیماران تریاک، در ۳۸/۲۰ درصد افراد شیره تریاک و در ۱۲/۱۲ درصد معتادان هرویین است. نزدیک

به ۴۰ درصد افراد تجربه استعمال حشیش و ۵۰ درصد تجربه نوشیدن مشروبات الکلی را داشته اند.

از دیگر یافته های این پژوهش، حصول یک رابطه معنی دار و معکوس بین میزان تحصیلات و اعتیاد است. به این معنا که افراد تحصیلکرده کمتر دچار اعتیاد به مواد مخدر می شوند و بیش از ۹۰ درصد این بیماران بی سواد بوده یا دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم هستند.

در این پژوهش در خصوص انگیزه های ترک اعتیاد آمده است: بیش از ۶۰ درصد از معتادان با اعلام انزجار از ادامه این روند و خسته شدن از وضعیت فعلی، برای ترک اعتیاد اقدام می کنند.

درمان نامناسب اعتیاد توسط پزشکان ناوارد و ایجاد عوارض سوء برای فرد، ترس از اطلاع یافتن خانواده از اعتیاد فرد در هنگام ترک اعتیاد و ناتوانی افراد در شناسایی پزشکان رازدار و معتمد، از جمله عواملی ذکر شده که باعث می شود فرد علی رغم میلش به مصرف مواد مخدر ادامه دهد

{ منبع : روزنامه همشهری فروردین ۱۳۷۷ }

{ایران اسلامی از ابتدای انقلاب اسلامی، 3600 شهید و 12000 مجروح در مبارزه با قاچاق مواد مخدر تقدیم نموده است}

{باندهای بین المللی قاچاق مواد مخدر سالی 600 میلیارد دلار از این راه به جیب می زنند.}

{خطر کراک 400 برابر هروئین می باشد}

{نقش اعتیاد در بزهکاری ها و طلاق و فروپاشی خانواده ها حتی قتل و جنایها، نقشی غیر قابل انکار است}

عوامل اعتیاد

. عوامل اعتیاد را چند چیز شمرده اند:

رفیق : شصت درصد معتادین از طریق رفیق ناباب آلودگی پیدا کرده اند. اینجاست که جوان سالم باید در مسئله رفاقت، هشدارهای اسلام و بزرگان و افراد دلسوز را گوش کند تا به دام این نارفیقان نیفتد.

تأثیر دوستان

تقریباً در ۶۰ درصد موارد، اولین مصرف مواد بدنبال تعارف دوستان رخ می دهد. ارتباط و دوستی با همسالان مبتلا به سوء مصرف مواد، عامل مستعدکنندگان مواد برای گرفتن تایید رفتار خود از دوستان، سعی می کنند آنان را وادار به همراهی با خود نمایند. گروه «همسالان» به خصوص در شروع

مصرف سیگار و حشیش بسیار مؤثر هستند. بعضی از دوستی‌ها، صرفاً حول محور مصرف مواد شکل می‌گیرد نوجوانان به تعلق به یک گروه نیازمندند و اغلب پیوستن به گروه‌هایی که مواد مصرف می‌کنند، بسیار آسان است. هرچه پیوند فرد با خانواده، مدرسه و اجتماعات سالم کمتر باشد، احتمال پیوند او با این قبیل گروه‌ها بیشتر میشود.

مشکلات خانوادگی:

عوامل مربوط به خانواده

خانواده اولین مکان رشد شخصیت، تشکیل باورها و الگوهای رفتاری فرد است. خانواده علاوه بر اینکه، محل حفظ و رشد افراد و کمک به حل استرس و پاتولوژی است، منبعی برای تنش، مشکل و اختلال نیز می‌باشد. ناآگاهی والدین، ارتباط ضعیف والدین و کودک، فقدان انضباط در خانواده، خانواده‌ی مشتت یا آشفته و از هم گسیخته، احتمال ارتکاب به انواع بزهکاری‌ها مانند سوء مصرف مواد را افزایش می‌دهد. همچنین والدینی که مصرف کننده مواد هستند باعث می‌شوند فرزندان با الگوبرداری از رفتار آنان، مصرف مواد را یک رفتار بهنجار تلقی کرده، رفتار مشابهی پیشه کنند.

موقعیت‌های مخاطره‌آمیز فردی

بعضی از نوجوانان و جوانان در موقعیت‌ها یا شرایط قرار دارند که آنان را در معرض خطر مصرف مواد قرار می‌دهد. مهمترین این موقعیت‌ها عبارتند از: در معرض خشونت قرار گرفتن در دوران کودکی و نوجوانی، ترک تحصیل، بی سرپرستی یا بی خانمانی، فرار از خانه، معلولیت جسمی، ابتلا به بیماری‌ها یا دردهای مزمن. حوادثی مانند از دست دادن نزدیکان یا بلایای طبیعی ناگهانی نیز ممکن است منجر به واکنش‌های حاد روانی شوند. در این حالت فرد برای کاهش درد و رنج و انطباق با آن از مواد استفاده می‌کند.

صفات شخصیتی

عوامل مختلف شخصیتی با مصرف مواد ارتباط دارند. از این میان، برخی از صفات بیشتر پیش‌بینی‌کننده احتمال اعتیاد هستند و به طور کلی فردی را تصویر می‌کنند که با ارزش‌ها یا ساختارهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و مذهب پیوندی ندارد و یا از عهده انطباق، کنترل یا ابزار احساسات دردناکی مثل احساس گناه، خشم و اضطراب برنمی‌آید. این صفات عبارتند از: عدم پذیرش ارزش‌های سنتی و رایج، مقاومت در مقابل منابع قدرت، نیاز شدید به استقلال، صفات ضد اجتماعی، پرخاشگری شدید، احساس فقدان کنترل بر زندگی خود، اعتماد به نفس پایین، فقدان مهارت‌های اجتماعی و انطباقی. از آنجا که اولین مصرف مواد، معمولاً از محیط‌های اجتماعی شروع می‌شود هر قدر فرد قدرت تصمیم‌گیری و مهارت ارتباطی بیشتری داشته باشد، بهتر می‌تواند در مقابل فشار همسالان مقاومت کند.

نگرش مثبت به مواد

افرادی که نگرش‌ها و باورهای مثبت و یا خنثی به مواد مخدر دارند، احتمال مصرف و اعتیادشان بیش از کسانی که نگرش‌های منفی دارند. این نگرش‌های مثبت معمولاً عبارتند از: کسب بزرگی و تشخص، رفع دردهای جسمی و خستگی، کسب آرامش روانی، توانای مصرف مواد بدون ابتلا به اعتیاد.

ناراحتی‌های عاطفی: چهارده درصد از معتادین باین علت معتاد شده‌اند.

کنجکاوی: هشت درصد بخاطر کنجکاوی معتاد شده‌اند.

جوانان سالم 15 تا 20 ساله‌ای که برای کسب تجربه و یا در اثر معاشرت با دوستان نامناسب و یا معتادان به استفاده از ماده مخدر پرداخته‌اند. این گروه از راه

کنجکاوی و به علت نداشتن پشتوانه خانوادگی و تربیت صحیح در اثر معاشرت با کسانی که آنها را به استفاده از داروی مخدر تشویق می کنند و برای اولین بار مواد مخدر را تجربه می کنند و دچار اعتیاد می شوند. البته بسیاری از این جوانان به علت احساس درماندگی، ناکامی، عدم کفایت و برای رهایی از تنهایی و فشار روانی معتاد می شوند و متأسفانه رهایی از این اعتیاد به سادگی میسر نمی شود.

لذت جویی: شش درصد بخاطر لذت از استفاده مواد مخدر آلوده شده اند.

تسکین درد: پنج درصد برای نجات از درد جسمی معتاد شده اند.

فامیل معتاد: چهار درصد از فامیل معتاد خود اعتیاد را فرا گرفته اند.

ریشه های روانی اعتیاد

از نقطه نظر روانشناسی عقیده بر این است که اعتیاد به مواد مخدر بگونه ای غیر مستقیم واکنش و پاسخی است مخرب در مقابل کنش های غیر قابل تحمل بیرونی و درونی که بدان وسیله فرد سعی می کند آلام و مشکلات درونی خود، مانند اضطراب، افسردگی و محرومیتها را کاهش داده و یا تسکین بخشد که در واقع انتخاب شیوه ایست ناسالم به منظور فرار از واقعیتهای موجود.

در واقع معتاد همانند دیگر افراد، انسانی است که نیاز دارد عشق بورزد و مورد عشق قرار گیرد (عشق سازنده و حقیقی) او می خواهد به دیگران محبت کند و مورد مهر و محبت قرار گیرد وجودش برای دیگران موثر و با ارزش باشد و متقابلاً وجود دیگران برای وی مفید و با اهمیت باشد، سرانجام ندای درونش از او می خواهد که او بایستی تغییر کند تغییری که او را از تمامی این مصائب و مشکلات برهاند و در تبادل خود و جامعه اش قبول مسولیت نماید متأسفانه بر اثر نارساییها و انحرافات خانوادگی و اجتماعی و همچنین عدم یک نظام تربیتی صحیح فرد به تدریج از مسیر حقیقت دور می شود و با

انتخاب شیوه و معیارهای مخرب از خود و جامعه‌اش بیگانه می‌گردد و این گریز از خویشتن خویش و بیگانگی وی را به انزوا و فرار هرچه بیشتر از واقعیتها می‌کشاند.

اثرات دارویی مواد مخدر

مصرف مواد مخدر و دیگر ترکیبات اعتیادآور بعثت اثرات دارویی ویژه خود تغییراتی در سطح فیزیولوژی و بیولوژی شخص بوجود می‌آورد که قسمت مهم این تغییرات بر روی سلسله اعصاب مرکزی و محیطی انجام می‌گیرد و نتیجتاً بر روی حالات جسمانی- روانی فرد اثر می‌گذارد و شخص مواجه با تجاربی در تداوم از اهمیتی خاص برخوردار خواهد بود. و مهمترین این تغییرات عبارتند از: تسکین موقت آلام روحی مانند اضطراب، افسردگی و بی‌قراری و تسکین موقت دردهای جسمانی و احساس رضایت و آرامش درونی موقت و تشدید موقت و میزان هوشیاری بگونه‌های غیر قطبی و چون اغلب معتادین قبل از اینکه به اعتیاد روی آورند با مشکلاتی متعدد مانند اضطراب، افسردگی، بی‌قراری و تضادهای گوناگون مواجه بوده‌اند لذا مصارف اولیه مواد مخدر ممکن است در کوتاه مدت سبب تسکین ناراحتیهای فوق گردد و ترک ناگهانی و یا کاهش مصرف مواد مخدر پس از ایجاد وابستگی بدنی نسبت به دارو سبب اختلالاتی می‌گردد مانند بی‌قراری، اضطراب، خستگی مفرط، گیجی، حالات تهوع، استفراغ و اسهال عدم تمرکز شدید و پاشیدگی افکار. در چنین مرحله‌ای فرد معتاد با چنین حالاتی روبرو می‌گردد و بنابراین تنها راه فرار از آن را استفاده مجدد دارو بداند. وابستگی فرد معتاد نسبت به ماده مخدر صرفاً بدنی نیست و جنبه‌های وابستگی روانی آن به دارو در رابطه با مشکلات شخصیتی فرد در جریان تداوم اعتیاد از اهمیت اولیه برخوردار است.

افسردگی با اعتیاد درمان پذیر نیست!

افسردگی روانی یکی از بیماریهای شایع عصر ماست که بر روی خلق و خوی و رفتار و احساس فرد اثر می‌گذارد. در نوعی افسردگی فعالیت و اراده و قابلیت حیاتی و جسمانی و اعتماد به نفس کاهش می‌یابد و نشانه‌هایی چون خستگی، بی‌میلی،

بی‌علاقگی، کم‌خوابی و ناامیدی بروز می‌کنند. در این موارد نشاط و علاقه و همکاری جای خود را به نگرانی، ناخشنودی و انزواجویی می‌دهد و بیمار با از دست دادن علایق شغلی و اجتماعی و گاه فردی ممکن است به طرف مواد مخدر نیز گرایش یابد تا شاید آرامش و آسایش بیشتری احساس کند. افرادی که برای گریز از تشویش و اضطراب و فشارهای روانی مواد مخدر را انتخاب می‌کنند کسانی هستند که از رو به رو شدن با واقعیات عاجزند و به علت احساس عدم کفایت، زندگی خود را از واقعیت جدا کرده و آن را بر اوهام و رویا بنا می‌کنند

آسیب‌پذیری جوانان در دوران بلوغ

دوران بلوغ دوره‌ایست که فرد با تضادها و کشمکشهای متعدد درونی مواجه می‌گردد. در این زمان او بخوبی احساس می‌کند که به مرحله‌ای جدید از زندگی می‌بایستی وارد شود و مسوولیتی در قبال خود و جامعه‌اش اتخاذ نماید. مرحله‌ای که او را با نگرانی، اضطراب و مشکل تصمیم‌گیری روبرو می‌سازد و او سعی می‌کند بگونه‌ای بر مشکلات خویش فائق آید. عدم توجه به اعضای خانواده توقعات بیجا و بی‌مورد اطرافیان، بدون در نظر گرفتن حساسیت این دوره و توقعات و ارزشهای متضاد اجتماعی اختلالات تطابقی در خانواده و زمینه‌های نامطلوب شخصیتی فرد بسهولت وی را در این دوره در مقابل انحرافات مختلف آسیب‌پذیر می‌سازد.

یکی از عوامل گسترش اعتیاد، ناهنجار تلقی نکردن این بیماری خطرناک از سوی افراد جامعه است

مصرف مواد به عنوان هنجار اجتماعی

در جوامعی که مصرف مواد نه تنها ضد ارزش تلقی نمی‌شود، بلکه جزئی از آداب و سنن جامعه و یا نشان تمدن و تشخص و وسیله احترام و پذیرایی است، مقاومتی برای مصرف مواد وجود ندارد و سوء مصرف و اعتیاد شیوع بیشتری دارد.

کمبود امکانات فرهنگی، ورزشی، تفریحی: کمبود امکانات لازم برای ارضای نیازهای طبیعی روانی و اجتماعی نوجوانان و جوانان از قبیل کنجکاوی، تنوع طلبی، هیجان‌خواهی، ماجراجویی، مورد تأیید و پذیرش قرار گرفتن و کسب موفقیت بین همسالان، موجب گرایش آنان به کسب لذت و تفنن از طریق مصرف مواد و عضویت در گروه‌های غیر سالم می‌شوند.

عدم دسترسی به سیستم‌های خدماتی، حمایتی، مشاوره‌ای و درمانی: در زندگی افراد، موقعیت‌ها و مشکلاتی پیش می‌آید که آنان را از جهات مختلف در معرض خطر قرار می‌دهد. فقدان امکانات لازم یا عدم دسترسی به خدماتی که در چنین مواقعی بتواند فرد را از نظر روانی، مالی، شغلی، بهداشتی و اجتماعی حمایت نماید، فرد را تنها و بی‌پناه، بدون وجود سطح مقاومت اجتماعی رها می‌کند.

توسعه صنعتی جامعه، مهاجرت، کمبود فرصت‌های شغلی و محرومیت اقتصادی - اجتماعی: توسعه صنعتی، جوامع را به سمت شهری شدن و مهاجرت از روستاها به شهرها سوق می‌دهد. مهاجرت باعث می‌شود تا فرد، برای اولین بار، با موانع جدیدی برخورد نماید. جدایی از خانواده، ارزش‌های سنتی و ساختار حمایتی قبلی به تنهایی، انزوا و ناامیدی فرد می‌انجامد. کم سواد بودن، فقدان مهارت‌های شغلی، عدم دسترسی به مشاغل مناسب و به دنبال آن محدودیت در تأمین نیازهای حیاتی و اساسی زندگی و

تلاش برای بقاء، فرد را به مشاغل کاذب یا خرید و فروش مواد می کشاند و یا برای انطباق با زندگی سخت روزمره و شیوه جدید زندگی به استفاده از شیوه های مصنوعی مانند مصرف مواد سوق می دهد.

عوامل مربوط به مدرسه

از آنجا که مدرسه بعد از خانواده، مهم ترین نهاد آموزشی و تربیتی است، می تواند از راه های زیر زمینه ساز مصرف مواد در نوجوانان باشد:

- بی توجهی به مصرف مواد و فقدان محدودیت یا مقررات جدی منع مصرف در مدرسه، استرس های شدید تحصیلی و محیطی، فقدان حمایت معلمان و مسئولان بهنگام نیاز عاطفی و روانی زمان بروز مشکلات و طرد شدن از طرف آنان.
- عوامل مربوط به محل سکونت: عوامل متعددی در محیط مسکونی می تواند موجب گرایش افراد به مصرف مواد شود.
- فقدان ارزش های مذهبی و اخلاقی، شیوع خشونت و اعمال خلاف، وفور مشاغل کاذب، آشفته گی و ضعف همبستگی بین افراد محل و حاشیه نشینی از جمله این عوامل هستند.
- مشخصات فردی و عوامل محیطی بخشی از علل اعتیاد هستند و بخش دیگر را بازارهای بین المللی مواد و عوامل اجتماعی - اقتصادی حاکم بر جامعه تشکیل می دهند. این عوامل عبارتند از:
- فقدان قوانین جدی منع تولید، خرید و فروش، حمل و مصرف مواد، موجب وفور و ارزانی آن می شود.

مراحل اعتیاد به مواد مخدر:

الف: آشنایی با مواد مخدر: در این مرحله فرد در اثر معاشرت با دوستان ناباب و تشویق آنان، کنجکاوی و احساس غروری که در برابر این دوستان در خود می بیند، با مواد مخدر آشنا می شود و به مرور زمان به این مواد وابستگی پیدا می نماید.

ب - تردید و دودلی: در این مرحله فرد پس از اینکه مدت زمانی را بطور نامرتب از ماده مخدر استفاده می کند، بطور ناخودآگاه با خویشتن وارد جنگ و ستیز شده که چه کنم تا نجات یابم؟ ولی با توجه به وابستگی جسمی و روانی به مواد، خود را ناتوان از ترک می بیند و در نتیجه میل به افزایش مواد که در آن تدریجاً بدن به مقدار معینی از آن خومی گیرد، در او ایجاد می شود.

ج- اعتیاد: در این مرحله، فرد بعد از شک و تردید و احتمالاً مدتی ترک کردن، به اعتیاد قطعی کشیده می شود! و با مصرف مواد اعتیاد آور، سرعت سلامت جسمی و روانی خود را آلوده می کند. اعتیاد به تریاک با مصرف یک ماه و اعتیاد به هروئین سرعت انجام می شود

سیگار چراغ سبزی برای سایر مواد مخدر!

در دود سیگار بیش از چهار هزار نوع ماده سمی وجود دارد که تعدادی از آنها سرطان زا می باشند. وقتی این مواد سرطان زا از دهان وارد نای می شوند، تغییرات سرطانی را در آن محل ایجاد می کنند و از آنجایی که در نَسج ریه، اعصاب حسی نیست، افراد سیگاری از مراحل رشد سرطان در ششهای خود اطلاعی ندارند.

این تکثیر سلولهای سرطانی در طی سالیان متمادی که فرد به استعمال دخانیات پرداخته است، ادامه می یابد تا اینکه بتدریج مبتلا به کاهش وزن، خلط خونی،

بی‌اشتهایی، سرفه، تنگی نفس، دردهای قفسه سینه و خشونت صدا می‌گردد، که متأسفانه از این لحظه تا مرگ فاصله بسیار کمی است!

در مردان سیگاری عوارضی چون عقیمی، کاهش میل جنسی، وناهنجاریهایی برای فرزندان از جمله لب شکری، سرطان خون و سرطان مغز در اثر سیگار ایجاد می‌شود.

در زنان سیگاری، دردهای عضلانی، دردهای استخوانی، خستگی، ضعف بدن و بی‌اشتهایی فراوان دیده می‌شود.

می‌توننت کشد سر از بستان‌بنگ رویت کند به گورستان

آنچه در مورد اعتیاد و موادمخدر باید بدانیم :

اعتیاد به موادمخدر یکی از عوامل اصلی شیوع بیماری‌های ایدز و هپاتیت می‌باشد.

پنجاه میلیون نفر معتاد آلوده به ایدز هستند.

موادمخدر آنچنان آرام و بی صدا بر جسم و روان مصرف کننده مستولی می‌گردد که هیچ معتادی آغاز اعتیاد خود را به یاد نمی‌آورد.

اعتیاد سبب تباهی میلیون‌ها مغز فعال می‌شود که سرمایه های آینده جامعه بشری بشمار می‌روند.

اگر درصد کمی از کودکانی که والدین آنها معتاد هستند به سوی بزهکاری سوق داده شوند، بعد از

گذشت چندین سال تعداد بزهکاران در این مملکت به هزاران نفر خواهد رسید.

اعتیاد بیش از یک میلیارد نفر از اعضاء خانواده معتادان را در جهان بطور مستقیم با مشکلات ناشی از

این آسیب مواجه نموده است.

موادمخدر منشاء وقوع بسیاری از جرائم اجتماعی نظیر قتل، تجاوز، سرقت و ... می‌باشد .

موادمخدر سالانه حدود 600 میلیارد دلار سود به حساب سوداگران مرگ واریز می کند که این رقم چند صد برابر کل بودجه کشور ما و بسیاری دیگر از کشورهای بزرگ دنیاست.

سالانه مقادیر قابل توجهی از ثروت ملی کشور به جیب سوداگران موادمخدر می رود. قاچاقچیان بین المللی موادمخدر برای رسیدن به مقاصد شوم خود به مدرن ترین تجهیزات تسلیحاتی و ارتباطی مجهز هستند.

75٪ از زندانیان کشور را بطور مستقیم و غیرمستقیم مجرمین موادمخدر تشکیل می دهند. کشور ما در همسایگی بزرگترین تولیدکنندگان انواع موادمخدر جهان (افغانستان و پاکستان) موسوم به «**هلال طلائی**» و در مسیر ترانزیت موادمخدر قرار گرفته است و درین راه خود نیز قربانی آن می گردد.

کشور ما در مقابله با ورود و شیوع این مواد خانمانسوز، بمنظور کنترل و حفاظت مرزهای شرقی اقدام به احداث بیش از هزار کیلومتر جاده، ده ها پاسگاه مرزی، برجک و دیده بانی و حفر چندین کیلومتر کانال و ... نموده است و هزاران نفر از فرزندان این مرز و بوم نیز به فجیع ترین وضع به شهادت رسیده اند

جنگ تریاک بصورت غیر مستقیم ادامه دارد

اگر چه جنگ انگلیس با چین بر سر فروش تریاک از سوی بریتانیا به چین سالهاست که تمام شده است اما جنگ ناپیدایی در جهان در مورد مواد مخدر ادامه دارد. از

لبنان و مراکش و ایران و پاکستان و افغانستان گرفته تا هنگ کنگ و چین و... و همه ساله تلفات انسانی و مادی زیادی ببار می آورد.

در مراکش شاه حسن بزرگترین تولید کننده حشیش است و به عنوان سلطان حشیش! معروف است.

همانطور که در زمان طاغوت، اشرف پهلوی بزرگترین قاچاقچی ایران بود.

در امریکای لاتین، کلمبیا مرکز تولید و صادرات مواد مخدر است و در سال 1981 هشت میلیارد دلار

درآمد ارزی داشته و کسری تجاری نداشت!

در سال 1984 بزرگترین باند کوکائین در کلمبیا که هزار نفر کارگر و 9 کارخانه تولید کوکائین و هواپیما و کشتی های فراوانی داشتند، کشف شد.

راههای مقابله با اعتیاد

پیشگیری به عنوان بهترین شیوه مقابله با اعتیاد

اساس پیشگیری تعلیم و تربیت ، راهنمایی ، مشورت و ارشاد خانواده ها است این آموزش باید در یک طیف گسترده اعم از رسمی و غیر رسمی صورت پذیرد و بویژه از رسانه های گروهی در جهت آموزشی و نتیجتا پیشگیری از اعتیاد نخست با تحلیل

کلیه عوامل احتمالی اعم از فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، تحصیلی و غیره که افراد سالم را بسوی این انحراف عظیم مذهبی، اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی سوق دهد، کمال استفاده بعمل آید. آنگاه مسئولان تعلیم و تربیت علما و روحانیون، روانشناسان و سایر صاحب نظران شیوه‌های مقابله را در چارچوب نظام حکومتی و متناسب با ارزشهای حاکم بر جامعه ارائه دهد.

نقش خانواده در پیشگیری از اعتیاد فرزندان

خانواده تاثیر عمیقی در کودک می‌گذارد و شخصیت او را پی‌ریزی می‌کند. اگر محیط خانواده سالم باشد کودک دارای اعتماد به نفس، مهر و محبت و احساس مسئولیت می‌شود. بررسیهای متعدد نشان داده است که اگر کودک مورد توجه خانواده واقع نشود و یا از خانواده طرد شود و یا برعکس اگر بیش از حد مورد توجه و حمایت واقع شود آماده کجروی، ناسازگاری و تجاوز به حقوق دیگران خواهد شد. کودکانی که در محیط خانه پذیرفته نشده‌اند و با محرومیت عاطفی و فقدان مهر مادری روبرو بوده‌اند، محبت و عواطف دیگران را احساس نمی‌کنند و با ترک خانه و مدرسه و ناسازگاری رفتار خصمانه بروز می‌دهند. این افراد فاقد قدرت سازش می‌شوند.

حمایت بیش از اندازه و اغماض بی‌نهایت پدر و مادر نیز سبب می‌شود که کودک

بسیار پر توقع و به اصطلاح لوس و نازپرورده بار آید و در نتیجه به تدریج در سازش با دیگران دچار اشکال شود. چنین فردی به عنوان یک موجود ضد اجتماعی طعمه خوبی برای قاچاقچیان مواد مخدر و جنایتکاران به شمار می آید. برقراری رابطه صحیح پدر و مادر با کودک سبب می شود که رشد شخصیت بچه سیر طبیعی داشته باشد و از انحراف و کجروی مصون بماند. عواقب خطرناک اعتیاد ایجاب می کند که والدین از لحظه تولد، بچه را موجودی بدانند که یاد می گیرد و رشد شخصیت او منوط به برقراری رابطه صحیح بین همه اعضا خانواده است. مواظبت مادر از کودک و ایجاد رابطه عاطفی با فرزند و رفتار خردمندانه توأم با مهربانی پدر نه تنها به رشد شخصیت و متعادل شدن کودک کمک می کند، بلکه در صورت اعتیاد اتفاقی در دوره بلوغ نیز درمان را آسان می سازد.

تقویت روحیه دینی و مذهبی

قد افلح من زکیها وقد خاب من دسیها

رستگار شد کسی که تزکیه نفس نمود و بدبخت شد کسیکه از نفسش تبعیت کرد. انسان نماینده خدا در زمین است و می تواند با اطاعت الهی و مخالفت با نفس و شیطان به مقامات بالایی برسد، او با انجام عباداتی که برای هر مسلمانی در نظر گرفته شده که مهمترین آن نمازهای شبانه روزی است و با ترک محرمات، همچنین با توسل به اهل بیت ع، چنان دیوار دفاعی مستحکمی در مقابل انحرافات اخلاقی و شیطانی ایجاد می شود که احتمال انحراف به کمترین حد خود می رسد.

جوانهایی که اهل مسجد و نماز جماعت مرتب هستند در معرض خطر اعتیاد نیستند مگر در بعضی

موارد استثنائی.

افرادی که مرتب توسل به اهل بیت ع را دارند. زیارتنامه ها را می خوانند. در محافل مرثیه اهل بیت شرکت می کنند. به زیارت امامان و امامزادگان می روند در رفع مشکلاتشان نذر می کنند و امثال این کارها. موفق تر و از خطراتی که بشریت را تهدید می نماید به دورتر هستند.

اینکه می بینیم بزرگان تاریخ بشریت مانند پیامبران الهی و امامان معصوم و اولیاء خدا مانند خضر و لقمان،

به نماز و مناجات با خدا خیلی اهمیت می دادند زیرا نماز اکسیر حیات بشر است. نماز انسان را بالا می برد. نماز صورت شیطان را سیاه می کند و ناله او را درمی آورد. نماز داروی مهم ضد اعتیاد است.

البته نماز با حال. نماز با حضور قلب. نماز با همه شرایطش. مخصوصاً نماز جماعت و نماز شب.

امکان ندارد کسی که برای نماز شب بر می خیزد و بعد از وضو به مناجات با خدا می ایستد و اشکش جاری می شود، به دام اعتیاد بیافتد. اصلاً انزجار عجیبی از انحرافات اخلاقی مثل قماربازی و شرابخواری و اعتیاد در او پیدا می شود.

دولت باید قسمت مهمی از بودجه مبارزه با مواد مخدر را به اشاعه فرهنگ نماز اختصاص دهد و اگر چه این سرمایه گذاری در دراز مدت جواب می دهد ولی مصونیت عجیبی برای جوانها ایجاد می کند.

انواع مواد مخدر:

1- مواد سستی زا مانند تریاک، مُرفین، هروئین و کدئین و کراک و شیشه

2- مواد توان افزا مانند کوکائین، ناس و کراتم.

3- مواد توهم افزا مانند حشیش، ماری جوانا، ال اس دی و غیره..

عوارض و ضایعات اعتیاد:

1- فردی و جسمانی: از جمله عوارض آن، بیماریهای جسمانی، دردهای عضلانی، یبوست، تغییر در مردمک چشم، اختلال در دستگاه گوارش، خشکی دهان، خارش بدن، تشنج، گرفتگی صدا، احساس خستگی، فساد دندان و بوی بد دهان، عفونت کبد و ریه که گاهی به مرگ می انجامد.

2- عوارض روانی: اختلال در سازگاری روانی فرد، ضعف عصبی، سلب اراده و ابتکار، حالت جنگ و ستیز با خود، پیدایش انحرافات اخلاقی، اضطراب و بی‌قراری، عدم اعتماد به نفس، ترس دائمی و صدها مشکل روحی و روانی و عاطفی دیگر.

3- عوارض اجتماعی: نداشتن علاقه به فعالیت‌های اجتماعی، بی‌نظمی خانوادگی، قانون شکنی، جرم و جنایت، ترک محل کار و تحصیل، معتاد نمودن دیگران، فروپاشی نظام خانواده، نابودی فرزندان و انحراف آنان و...

4- جنبه اقتصادی: معتاد به دلیل عدم اشتغال و عدم بازدهی و انگل بودن، ضایعات اقتصادی بزرگی برای کشور ایجاد می‌نماید. عدم احساس مسئولیت در تأمین مخارج خانواده، تهیه هزینه اعتیاد از راه نامشروع و اشتغال به انواع بزهکاری و دهها عوارض دیگر.

5- جنبه سیاسی: افراد معتاد به علت بی‌تفاوتی نسبت به همه چیز، مشارکتی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در مواقع لزوم ندارند. و معمولاً غارتگران و مفسدین از آنها به عنوان عاملان جنایت، قتل و توطئه‌های سیاسی و غیر سیاسی، استفاده می‌کنند.

توضیحات بیشتر:

اعتیاد عوارض زیر را در فرد و جامعه ایجاد می‌نماید.

عوارض خانوادگی

- خشونت در خانواده شامل کودک‌آزاری و همسر آزاری
- عفلت از فرزندان

- مشکلات تحصیلی، اختلالات روانی و خودکشی فرزندان
- نابسامانی و آشفتگی خانواده
- محدودیت در روابط سالم خارج از خانواده
- افت سطح اقتصادی و اجتماعی خانواده
- بی کفایتی در سرپرستی خانواده
- طلاق

عوارض شغلی

- افت اعتبار فردی و موقعیت شغلی
- سوانح و حوادث حین کار
- غیبت از کار
- کاهش کارایی
- اخراج و بیکاری

عوارض اقتصادی

- خسارات ناشی از کاهش نیروی مولد و افزایش نیروی مصرف کننده جامعه
- هزینه‌های تحمل شده به نیروهای انتظامی و جمع‌آوری امکانات لازم برای مبارزه با جرایم مستقیم و غیر مستقیم ناشی از مواد مخدر
- صرف وقت دادگاه‌ها و نیروهای قضایی
- هزینه نگهداری مجرمین مواد مخدر و معتادان در زندان‌ها
- هزینه مراکز بازپروری و درمانگاه‌های ترک اعتیاد
- هزینه و خسارات ناشی از مراقبت‌های بهداشتی ثانیه شامل بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها

عوارض اجتماعی

- ضعف پای‌بند به اصول اخلاقی و مذهبی
- انواع جرایم مثل سرقت، فحشا، خشونت، تجاوز و قتل
- افزایش مشاغل کاذب و بیکاری
- بی‌خانمانی و فقر

مهمترین ضربه اعتیاد چیست؟

از بین رفتن شخصیت، مهمترین ضربه ای است که معتاد از اعتیادش دریافت می کند. اگر تا قبل از اعتیاد و در دوران پاک بودنش، قول و قرارش حرمت داشت. در میان فامیل و خانواده دارای احترام بود. به نظراتش توجه می کردند. به عنوان یک انسان دارای وجدان و عواطف مطرح بود. به او حسن ظن داشتن و اعتماد می نمودند و...

اما بعد از اعتیاد شخصیت او را کمتر از یک کودک خردسال قبول می کنند. به او هیچ گونه اعتمادی نمی کنند. اگر یک سرقت در منزل یا محله اتفاق بیافتد اولین متهم آن فرد معتاد است. از نظر عقیدتی هم

اعتقاد او ثابت نیست چه بسا در هنگام نیاز بدنش به مواد مخدر، حاضر باشد برای بدست آوردن مقداری مواد، کافر شود و دینش را بفروشد! نظر تعهدات اخلاقی نیز هیچگونه اعتمادی به او نیست چه بسا ناموس خود را در عوض مواد بفروشد. خلاصه برای رسیدن به مواد از هیچ ابزار کثیفی نمی گذرد

واینها البته دلیل بیمار بودنش است نه دلیل خباثتش. نه دلیل پستی روحش. بلکه او بیماری است که اسیر

شیطان شده و باید با همت خود و اطرافیانش آزاد شود.

داستانهای زیادی از کارهای عجیب و غریبی که افراد معتاد برای رسیدن به مواد انجام داده اند وجود دارد. ولطیفه ها و جوک های فراوانی درباره شخصیت بد معتاد در زبان مردم است.

از جمله این لطیفه ها:

دو زندونی معتاد به طرف هم هسته خرما پرت
دیگه می پرسن؟ چه خبر؟ می کردن، از زندونی
می گه: جنگ هشته ایش

یه تریاکی، تو پیام گیر تلفنش ضبط کرده بوده
خستم هشتم ولی

(۴) دو تا تریاکی باهم نشسته بودن تریاک می کشیدن
سوال کرد ، کی روز جمعه میاد اولی از دومی
دومی جواب داد والله نمیدونم یا شنبه یا یکشنبه

شخصی سر خیابان واستاده بود یک خرکوش داشت می خاست بفروشه ، یک دفه یک معتاد از راه رسید گفت این میمون جنده ، مرده گفت اقا این معتاد گفت من که از شما سوال نکردم از از خرکوشه خرکوشه نه میمون ، سوال کردم .	۵)
تریاکیه داشته تریاک می کشیده؛ یهو پلیس !!!بی حرکت. تریاکیه می گه: کو تا حرکت :سر می رسه و می گه	۶)
دارم از یه معتاده می پرسند؟ تو بیژنی؟ می گه: نه من ژن	۷)
یک اسکناس دویست تومنی روی زمین افتاده بود.به معتادی گفتند این اسکناس را بردار!گفت مگر من وزنه بردارم!	۸)

۹)	یه صفایی به یه روز یه پسره توپش می فته تو خونه یه معتاد از قضا معتاد تازه خودش داده بوده پسره در می زنه معتاد در و باز می کنه پسره می گه آقا توپم معتاده هم می گه خوب منم توپم
۱۰)	جواب دادن به یه روز یه نفر به خونه یه معتاد زنگ میزنه مرد معتاد که حال تلفن رو نداشته گوشی رو برمی داره و می گه هشتم ولی خستم

11: به یه معتاد می گن با 45, 46, 47, 48 جمله بساز. می گه: چلا پنجه می کشی؟ چلا شیشه

می شکنی؟ چلاهف نمی زنی؟ چلا هشتی ناراحت؟

ازش میپرسن چرا 2 تا سیگار یه معتاد 2 تا سیگار تو دهنش گرفته بود داشت میکشید بعد از یه مدتی میکشی میگه یکی واسه خودم یکی هم از طرف دوستم که زندونه ازاد شده میبینن همون معتاد یه دونه سیگار میکشه بهش میگن حتما دوستت از زندان میگه نه خودم ترک کردم

بیشترین معتادها در کدام کشور هستند؟

در امریکا!

اینکه امام راحل، امریکارا شیطان بزرگ نامید، گزافه نبوده است زیرا امریکا بزرگترین صادرکننده ابزارهای فساد و تباهی به دنیا می باشد که یکی از این ابزارها انواع مواد مخدر می باشد.

اشاعه مواد مخدر در بین نوجوانان و زنان در امریکا

رئیس مبارزه با مواد مخدر آمریکا:

«تعداد کودکان زیر هجده سال که در رابطه با مواد مخدر دستگیر شده اند بین سالهای 91-95 بیش از 37٪ افزایش یافته است» وی افزود:

این نخستین موج ضعیف از یک طوفان ویرانگر است.»

«تنها در سال 1990، تعداد 978 نوجوان به جرم فروش مواد مخدر در پایتخت آمریکا دستگیر شده اند و 431 نوجوان دستگیر شده درواشنگتن اعتیاد به کوکائین داشته اند.»

منابع معتبر پزشکی آمریکارسمای اعلام کرده اند که :

«2/3 نوجوانان ایالات متحده قبل از اتمام دبیرستان یکی از اشکال داروهای مخدر را استفاده می کنند.»

وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا:

«استفاده نوجوانان دوازده تا هفده ساله آمریکایی از مواد مخدر در سال های 1371 تا 1374 به میزان 78٪ افزایش یافته است. بنابر این گزارش که از سوی این وزارتخانه هر سال منتشر می گردد:

نسبت افرادی که سن آنان میان دوازده تا هفده سال است و حداقل ماهی یک بار کوکابین مصرف می کنند در سال گذشته 166٪ افزایش یافته است.»

روزنامه وال استریت ژورنال:

«تعداد زنانی که در سال 1996 به دلیل سوداگری مواد مخدر در زندان های آمریکا زندانی شده اند به 23 هزار نفر می رسد که نزدیک به ده برابر تعداد زنانی است که در سال 1986 با جرمی مشابه زندانی شده بودند.» «تعداد زنانی که به دلایل غیر از قاچاق مواد مخدر در آمریکای زندانی شده اند نیز طی سال های 1986 الی 1996 از هفده هزار نفر به 39 هزار نفر رسیده است. این در حالی است که سازمان های حقوق بشر گزارش هایی درباره شرایط بد زنان زندانی و تجاوز و تعرض به آنها داده اند.»

بحث تخصصی اعتیاد و مراحل ترک آن

در مورد اعتیاد و خصوصیات شخصیتی افراد معتاد و چگونگی ترک اعتیاد، نکاتی را از زبان متخصصین و کسانی که خود یک زمانی معتاد بوده اند واز لابلای آیات واحادیث جمع آوری شده که به شرح زیر تقدیم می شود.

1- معتاد دارای دوشخصیت مغایر است. یکی آن شخصیتی است که به مردم نشان می دهند و مردم آن را می بینند. و دیگری آنچه که در درون احساس می نمایند. این دوگانگی را در ابتدا می توان کنترل کرد ولی به مرور در اثر پیشرفت اعتیاد، شخصیت بیرونی ضعیفتر شده و شخصیت اصلی معتاد گونه قوی تر می شود.

2- به همان نسبت که نیاز معتاد به ماده مخدر دلخواهش بیشتر می شود، نیروی اراده در او ضعیف تر شده و سرانجام پس از آنکه بیماری اعتیاد بصورت مزمن درآمد، این نیرو مفهوم و کاربرد خود را در زندگی معتاد از دست می دهد. زیرا رابطه معتاد با ماده مخدر دلخواهش، رابطه عاشق و معشوق است و این احساس آنقدر قوی است که بر نیروی اراده او پیروز می شود!

3- حالت نشگی از همان ابتدا در قسمتی از مغز ثبت می شود و پس از مدتی به صورت غریزه ای ثانوی و خودکار در می آید.

همانطور که ما برای عصبانی شدن نیاز به فکر کردن نداریم و این احساس بصورت خودکار بوجود می آید، میل به نشگی هم برای فرد معتاد خودکار است و نیاز به فکر کردن ندارد!

4- رابطه معتاد با تمام مسائل رابطه ای غیر طبیعی است که این روابط از ترس و کمبود سرچشمه می گیرد حتی در کارهای مثبت، ترس محرک اصلی است. مثلاً داشتن فرزند برای معتاد با دید پرشدن کمبودهای اوست نه با انگیزه عشق و غریزه بقا و دیگر انگیزه های هدفدار. لذا وقتی فرزند دار شد بعد از مدتی احساس می کند که نه تنها کمبودهای او برطرف نشد بلکه مسئولیتهای تازه ای هم به زندگیش اضافه شده است!

5- در اثر نرسیدن مواد مخدر به معتاد، حالتی به او دست می دهد که در اصطلاح به آن خماری می گویند. علائم اصلی خماری بشرح زیر است:

جسمی:

ضعف کلی در بدن همراه با ارتعاش و لرزش - خمیازه به همراه آبریزش چشم -
بی حوصلگی و عدم تمرکز فکری - بی قراری، اضطراب و بی خوابی - آبریزش
بینی مانند سرماخوردگی -

دل درد و اسهال - تشنج و سرد و گرم شدن و سیخ شدن موهای بدن به همراه
عرق کردن -

دردهای عضلانی که به سیم کشی معروف است - حالت تهوع و استفراغ -
افزایش ضربان قلب و درجه حرارت بدن و فشار خون - گشاد شدن مردمک
چشم -

روحي:

افسردگی شدید-احساس تنهایی-پوچی و بیهودگی-ترس شدید از آینده-
غریبگی نسبت به همه چیز و همه کس-اضطراب و دلهره

6-افراد معتاد چون دلایل مثبتی برای انجام کارهای خود ندارند معمولاً از وسیله ای بنام توجیه استفاده می کنند. مثلاً برای توجیه دزدی یا قاچاق این گونه توجیه می کنند که چون کار نیست! مسئولین توجهی به او نمی کنند. بیسواد هستیم. حرفه مناسبی بلد نیستیم پس حق دارم که دزدی کنم!

7-اکثر معتادان با چرب زبانی و غلو، سعی در مهم جلوه دادن خود دارند اما بر خلاف این تظاهر، آنها در ته دل باور دارند که لیاقت هیچ چیز خوب را در دنیا ندارند.

8-در مشکلاتی که برای انسان پیش می آید طرز تفکر معتاد با افراد سالم فرق می کند. اگر مثلاً ماشین انسان وسط جاده خراب بشود و امکان تعمیر آن در محل نباشد افراد سالم فکر می کنند که چگونه جرثقیل یا وسیله ای پیدا کنند تا ماشین را به تعمیرگاه ببرد. ولی فرد معتاد این گونه فکر نمی کند بلکه فوراً عصبی و دلخور شده و از شانس و اقبال بد خود شاکی می شود! با ماشین مادر مرده لگد می زند و به تمام دنیا بد و بیراه می گوید و عاقبت فکر می کند که این دنیا اصلاً ارزش زندگی را ندارد و مرگ و خودکشی راه حل بسیار بهتری است.

درجه تحمل و مقاومت معتادان در مقابل مشکلات بسیار کم است. آنها در اثر فرار از مشکلات و مسائل روز مره و نداشتن تمرین برای حل مسائل خود، روز بروز مقاومتشان کمتر و احساس حقارت و بیهودگی شان بیشتر می شود.

9- یکی از انواع اعتیادها، اعتیاد به دزدی است. وقتی معتاد یک دوبار دزدی کرد ولذت برد و حس طمع و حس غرور ناشی از خطا کردن و گیر نیافتادن ارضا گردید به مرور به این عمل معتاد می شود. برای او فرقی نمی کند چه بدزدد و فرقی ندارد کالای دزدی به درد بخور باشد یا نباشد!

10- یکی از مهمترین مراحل درمان معتادین آنست که زمینه ای فراهم شود تا معتاد آنچه راجع به خودش می داند و حقیقت دارد بر زبان جاری کند و از آن حالت غرور و تکبر شیطانی و دوگانگی در شخصیتش دور شود.

لذا در بعضی از مؤسسات درمان معتادان، جلسه ای عمومی از همه معتادان تحت درمان تشکیل می شود و هر کسی با صدای بلند آنچه در مورد خودش اتفاق افتاده، از چگونگی اعتیادش و از کارهای زشتی که انجام داده همه رامی گوید و دیگران نه تنها او را سرزنش نمی کنند بلکه برای او دست می زنند و این موفقیت {پا گذاشتن روی غرور کاذب و دوری از دوگانگی در رفتار} را به او تبریک می گویند و این مرحله اگر بدرستی انجام شود از قدمهای مهم ترک اعتیاد است.

متأسفانه در جامعه طوری برخورد می شود که اگر مردم کارهای زشت معتادی را بشنوند بجای اینکه او را به ترک کارهای زشت تشویق کنند و او را بیمار بدانند نه یک مجرم! فقط او را سرزنش کرده و گاه مورد دشنام قرار می دهند. و این به دوگانگی در رفتار معتاد کمک می کند!

معتاد کسی است که اشتباهی را هزار بار تکرار می کند اما همیشه انتظار دارد 11- که نتیجه قبلی تکرار نشود!

12- از جمله مراحل ترک اعتیاد برای فرد معتاد مخصوصا معتادانی که سالیان طولانی گرفتار آن بوده و هرچه تلاش می کرده اند نمی توانستند ترک کنند، اقرار و از اعتقاد به نداشتن کنترل در مصرف و هم چنین اقرار به از هم پاشیدگی زندگی است. قبلی اش که معتقد بود عقل کل است و همه چیز را از همه کس بهتر می داند دست بر می دارد.

بعد از این باید باور کند که خداوند می تواند سلامت روانی او را به او برگرداند. در حالی که قبلا فکر می کرد نیاز به هیچ کس یا مرجعی ندارد و فقط به مواد مخدر ایمان داشت!

و باید از خدا کمک بگیرد و به دستورات او و پیامبران عمل نماید.

در روایتی از علی ع است که فرمود پیامبر، پزشکی سیار بود که به بیمارانش سر می زد و آنان را مداوا می نمود. اصلا پیامبران از طرف خداوند برای درمان انسانها آمده اند آنوقت اکثر انسانها از آنها فرار کرده و به طاغوتها و شیطانها و فرعون ها پناه می بردند.

در عصر حاضر، کتابهای پیامبران وجود دارد و آئین اسلام به عنوان کامل ترین دین می تواند درمان همه بیماریهای خطرناک بشریت باشد.

چرا ما انسانهایی که سراسر نور و هدایت هستند یعنی پیامبران و امامان فرار می کنیم و به انسانهای سراسر ظلمانی و تاریک و گمراهی پناه می بریم؟ آیا هنرپیشه ها و هنرمندان فاسد سینمای غرب می توانند ما را به سعادت برسانند تا ما از آنها تقلید کنیم؟ آیا افراد آلوده به انواع مفسد می توانند دست ما را بگیرند و زندگی خوبی

برایمان تضمین کنند؟ خیر. زیرا چگونه گمراهی می تواند هدایتگر دیگران باشد. چگونه کسی که زندگی را در لذت جویی جسمانی می داند و بس، می تواند

مارا به سلامت به مقصد برساند؟

واقعا اگر فقط جوانان ایرانی همگی به قرآن پناه می بردند حتی یک معتاد هم نداشتیم. اگر همه جوانها اهل نماز باشند و بجای رفت و آمد به خانه های شیطانی به خانه خدا یعنی مسجد تردد کنند، معضل بزرگ کشور ما به آسانی قابل حل میباشد اگر چه از علل اعتیاد، بیکاری و فقر می باشد و باید آنها هم درمان شوند